

تبیین مدل شفافیت گزارشگری مالی

فرزانه یوسفی اصل*، مهناز ملانظری**، غلامرضا سلیمانی امیری***

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۷/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۱۱

چکیده

شفافیت، هسته مرکزی گزارشگری مالی مدرن است که به استفاده کنندگان در شناخت واحد تجاری کمک می‌کند. با وجود اهمیت این مفهوم، تعریف جامعی از آن ارائه نشده است. روش‌های متعددی نیز برای اندازه‌گیری شفافیت اطلاعاتی مورد استفاده قرار گرفته است که به نتایج، توجیحات و پیامدهای متفاوتی منجر شده است. در این پژوهش، با بررسی مبانی نظری و پیشینه تحقیقات و نیز مدنظر قرار دادن ویژگی‌های محیطی ایران، مدلی جامع‌تر جهت ارزیابی میزان شفافیت شرکت‌ها و کیفیت افشای آن‌ها پیشنهاد گردید؛ مدل پیشنهادی یاد شده مبتنی بر مدل شفافیت گزارشگری مالی بوشمن و همکاران (۲۰۰۴) است. به منظور سنجش اعتبار مدل یاد شده، پرسشنامه‌ای طراحی گردید؛ جهت غربال و تأیید نهائی شاخص‌ها از دیدگاه خبرگان دانشگاهی و حرفه‌ای، از تکنیک دلفی فازی استفاده شده است. بر مبنای آزمون انجام شده، تمامی معیارهای مدل مورد تأیید خبرگان قرار گرفتند. همچنین به منظور سنجش روابط متغیرهای پنهان با گویه‌های سنجش آن‌ها از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد؛ نتایج موید این واقعیت است که مدل ساختاری مشاهده شده از برازش مطلوبی برخوردار است. به علاوه بررسی‌های بیشتر نشان داد که از دیدگاه خبرگان، شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب در زمینه هر یک از ابعاد موثر بر شفافیت اطلاعاتی در سطح شرکت، از لحاظ آماری معنادار و بااهمیت است.

واژه‌های کلیدی: شفافیت گزار شگری مالی، مدل‌های تک بُعدی و چند بُعدی سنجش شفافیت گزار شگری

مالی

طبقه بندی موضوعی: M41

* دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه الزهراء، (نویسنده مسئول)، (yusefiasl@gmail.com)

** استادیار حسابداری دانشگاه الزهراء، (mahnaznazari43@gmail.com)

*** دانشیار حسابداری دانشگاه الزهراء، (gh_soleimany@yahoo.com)

۱- مقدمه

شفافیت، هسته مرکزی گزارشگری مالی مدرن است. تحقیقات پیشین (برای مثال بوشمن و همکاران (۲۰۰۱)، فرانسیس و همکاران (۲۰۰۴)، مدهانی (۲۰۰۹)، بارث و همکاران (۲۰۱۰) و لنگ و میفیت (۲۰۱۱) و...) نشان داده‌اند که یکی از مهم‌ترین عواملی که موجب جذابیت شرکت از دیدگاه سرمایه‌گذاران می‌شود؛ شفافیت است. بر مبنای این تحقیقات، شفافیت در گزارشگری مالی می‌تواند اعتماد جامعه سرمایه‌گذاران را افزایش دهد. در طرف مقابل، عدم شفافیت می‌تواند موجب بدبینی و کژاخلاقی شده و در نهایت به ارزش‌گذاری ضعیف شرکت و عدم اطمینان بینجامد. چنین عدم اطمینانی، ریسک اطلاعاتی برای بازیگران بازار به دنبال دارد؛ و تامین سرمایه در این شرایط مستلزم نرخ بازده بالاتر و در نتیجه هزینه سرمایه بیشتر خواهد بود که می‌تواند کاهش قیمت سهم و عدم نقدشوندگی آن را به دنبال داشته باشد. شفافیت، سبب افزایش آگاهی و اطمینان سرمایه‌گذاران شده و انتظار می‌رود که کاهش هزینه سرمایه شرکت را به دنبال داشته باشد. لذا بازارها، به افشای داوطلبانه و شفاف‌سازی پاداش می‌دهند.

اما به رغم همه استدلال‌هایی که در ارتباط با شفافیت بیشتر وجود دارد؛ شرکت‌ها تمایلی به شفافیت کامل ندارند؛ دلایل متعددی برای این موضوع عنوان شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از هزینه‌های مرتبط با جمع‌آوری، پردازش و افشای اطلاعات، وجود منافع مرتبط با عدم افشاء و وجود پدیده اثرات خارجی. در چنین شرایطی، قوانین سختگیرانه مرتبط با افشاء مطلوب نمی‌باشند و شرکت‌ها به دنبال راهکارهایی برای عدم افشاء و یا افشای کمتر خواهند بود (صمدی، ۱۳۸۹).

شفافیت شرکت، اصطلاحی است که توسط افراد مختلف به گونه متفاوتی تفسیر می‌گردد. عده‌ای از آن به عنوان مفهوم واحدی مانند اقلام افشاء شده در گزارش فعالیت سالیانه تعبیر می‌کنند (بوتوسان (۱۹۹۷)، سنگوپتا (۱۹۹۸))؛ عده‌ای معتقدند؛ شفافیت به معنای انتشار اطلاعات از کانالی به غیر از صورت‌های مالی و یا گزارش فعالیت سالیانه مانند کانال مطبوعات است (گرنون و میک، ۱۹۹۷)؛ اما برخی نیز بر دیدگاه جامع مبتنی بر محیط اطلاعاتی شرکت تاکید می‌کنند (بوشمن و همکاران، ۲۰۰۴). حجم وسیعی از تحقیقات که به دنبال معیاری برای اندازه‌گیری شفافیت گزارشگری مالی بوده‌اند؛ این واقعیت را دریافتند که شفافیت ویژگی چند

بعدی محیط اطلاعاتی شرکت است که به صورت مستقیم قابل اندازه‌گیری نمی‌باشد و بنابراین در جستجوی شاخص‌هایی بودند تا با سازه‌های تئوریک مرتبط باشند. بنابراین گرچه پذیرفته شده است که شرکتی که صورت‌های مالی آن توسط یکی از موسسات بزرگ حسابرسی رسیدگی شود؛ الزاما شفاف نمی‌باشد اما انتخاب یک حسابرس با کیفیت، شاخصی جهت تشخیص شرکت‌هایی است که متعهد به ارائه اطلاعات مالی صادقانه و قابل فهم می‌باشند. در حالت ایده‌آل به منظور اندازه‌گیری شفافیت گزارشگری مالی در سطح شرکت، کیفیت و اعتبار اطلاعات ارائه شده توسط شرکت‌ها باید مورد ارزیابی قرار گیرد. اما با توجه به عدم تقارن اطلاعاتی بین تهیه‌کنندگان اطلاعات و استفاده‌کنندگان، چنین امری تقریباً غیرممکن است. در حقیقت، یکی از مهم‌ترین اهداف اطلاعات حسابداری، کاهش این عدم تقارن اطلاعاتی است (کیم، ۲۰۰۵)

نخستین عامل انگیزشی در انجام این پژوهش کمبود پژوهش‌های دانشگاهی است که به دنبال تجمیع معیارهای متمایز و ارائه معیار چند بعدي از شفافیت گزارشگری مالی باشند تا قدرت تشریحی شفافیت را نسبت به عواقب اقتصادی آن افزایش دهد. همچنین نقش پراهمیت افشاء (به عنوان یک بعد مهم از هر مدل شفافیت) در فرایند تخصیص کارای منابع و نیز راهبری شرکتی نیز موجب پرداختن به این مهم شده است؛ به علاوه، این پژوهش به نقش مهمی که تحلیل‌گران، سرمایه‌گذاران نهادی و اعتباردهندگان در جریان اطلاعات به ذینفعان دارند؛ نیز پرداخته است. خاطر نشان می‌سازد؛ در گزارش محیط کسب و کار^۱ که توسط بانک جهانی منتشر می‌گردد؛ رتبه ایران در شاخص حمایت از سرمایه‌گذاران^۲، ۱۶۷ بوده است؛ این شاخص سه بُعد متفاوت حمایت از سرمایه‌گذاران (معاملات اشخاص وابسته، مسئولیت اعضای هیئت مدیره در برابر معاملات اشخاص وابسته و نیز توان سهامداران جهت اقامه دعوی بر علیه مدیران) را مدنظر دارد؛ در مدل این پژوهش کوشش گردید با توجه به اهمیت فراهم ساختن محیط کسب و کار شفاف در دنیای امروز، این جنبه‌ها نیز مورد توجه قرار گیرند تا از بروز عدم تقارن اطلاعاتی و مسائل و مشکلات ناشی از آن اجتناب شود. همچنین ارائه مدل جامع شفافیت گزارشگری مالی می‌تواند زمینه را برای رتبه‌بندی شرکت‌ها از بُعد شفافیت فراهم کرده، بین شرکت‌ها رقابت ایجاد کند تا گزارشگری مالی خود را بهبود داده و اطمینان سهامداران بالقوه و بالفعل را جلب نمایند.

با مطالعه پیشینه پژوهش مشاهده گردید که شفافیت اطلاعاتی در مفهوم عام آن، عموماً مبتنی بر چهار عامل کلیدی (کمیت، کیفیت، اطلاعات نهانی و اطلاعات واسطه‌ای) است. لذا این پژوهش از این بابت در توسعه ادبیات این حوزه مشارکت داشته است که دیدگاه وسیعی از شفافیت گزارشگری مالی را ارائه می‌کند که مبتنی بر ابعاد مختلف اما بهم پیوسته از محیط اطلاعاتی شرکت است؛ در این پژوهش کوشش شده است تا معیارهای نامتجانس شفافیت گزارشگری مالی را که توسط پژوهش‌گران مختلف به صورت مجزا مورد استفاده قرار گرفته است؛ به همراه هم به عنوان یک شاخص واحد شفافیت گزارشگری مالی بکار گرفته شوند تا به گفته دیوکسی و گیل (۲۰۱۱) بتوان با ارائه یک مدل چند بعدی، قدرت تشریحی شفافیت نسبت به رتبه‌بندی اعتباری خارجی، هزینه سرمایه، ریسک بازار (که با بتای شرکت نمایش داده می‌شود) و نقدشوندگی و... افزایش داد.

۱-۱- تعریف شفافیت

گرچه شفافیت به عنوان ویژگی مطلوب گزارش‌های مالی عنوان گردیده است؛ اما تعریف جامعی که مورد پذیرش عموم باشد؛ از آن ارائه نشده است. بوشمن و همکاران (۲۰۰۴) شفافیت گزارشگری مالی را به عنوان:

"دسترسی گسترده به اطلاعات مربوط و قابل استناد در مورد عملکرد دوره، موقعیت مالی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، راهبری، ارزش و ریسک شرکت‌هایی که مورد مبادله عموم قرار می‌گیرند" تعریف کرده‌اند.

از دیدگاه بارث و اسپچیر (۲۰۰۸) شفافیت گزارشگری مالی به این معناست که "گزارش‌های مالی واحد تجاری، واقعیت‌های اقتصادی واحد تجاری را به شیوه‌ای که برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی قابل درک باشند؛ ارائه کنند."

۲-۱- اندازه‌گیری شفافیت گزارشگری مالی

در اندازه‌گیری شفافیت گزارشگری مالی از نظر سطح اندازه‌گیری دو بُعد مختلف وجود دارد؛ نخستین بُعد به شفافیت گزارشگری مالی در سطح بازار و یا یک کشور می‌پردازد.

اندازه‌گیری شفافیت حسابداری در سطح یک کشور، به معنای سنجش میزان شفافیتی است که در نتیجه نیروهای بازار بر شرکت‌ها تحمیل می‌شود و به اندازه‌گیری قوانین مرتبط و سیستم‌های حسابداری مربوط است. از آنجا که هر شرکتی تحت قوانین و سیستم‌های حسابداری کشور متبوع خود فعالیت می‌کند؛ این قوانین و سیستم‌های حسابداری، حداقل سطح شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌ها را در آن کشور نشان می‌دهد. دومین بُعد به شفافیت گزارشگری مالی در سطح هر شرکت مرتبط است. گرچه، قوانین و سیستم‌های حسابداری تمامی شرکت‌های موجود در یک کشور یکسان هستند اما سطح شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌ها متفاوت است (کیم، ۲۰۰۵).

جهت سنجش شفافیت گزارشگری مالی ممکن است از معیارهای تک بُعدی و یا چند بُعدی استفاده شود؛ اما از آنجائی که معیارهای تک بُعدی، سازه‌هایی هستند که شفافیت را با خطا اندازه‌گیری می‌کنند (دبوکسی و گیلت (۲۰۱۱)؛ بسیاری از تحقیقات مانند پژوهش‌های لئوز و همکاران (۲۰۰۳)، بوشمن و همکاران (۲۰۰۴) و لنگ و همکاران (۲۰۱۱) معیارهای جامعی از شفافیت طراحی کرده‌اند که ابعاد مختلف شفافیت گزارشگری مالی را می‌سنجند. با توجه به این موضوع که تمامی معیارهای تک بُعدی، شاخص‌های غیرمستقیم و به احتمال زیاد مستقل شفافیت گزارشگری مالی می‌باشند؛ معیارهای چند بُعدی موجب افزایش توان تشریحی آزمون‌ها می‌گردند؛ همچنین تحقیقات پیشین (لنگ و میفیت (۲۰۱۱)، دبوکسی و گیلت (۲۰۱۱) به این نتیجه رسیده‌اند که استخراج روابط علی مبنی بر شاخص‌های تک بُعدی شفافیت دارای خطاهای بزرگی است؛ اما مدنظر قرار دادن این شاخص‌ها به عنوان یک گروه، معیار مناسب‌تری از تعهد شرکت به افشای مالی شفاف و کیفیت کلی محیط اطلاعاتی شرکت خواهد بود.

جهت ارزیابی وسیع ابعاد مختلف شفافیت شرکت در محیط اطلاعاتی کشور، تعریف بوشمن و همکاران (۲۰۰۴) از شفافیت در این پژوهش مورد پذیرش قرار گرفته است که دامنه وسیعی از مفاهیم مرتبط با شفافیت را پوشش می‌دهد؛ که بر مبنای آن دستیابی به شفافیت از سه کانال مختلف حاصل می‌گردد:

تکراره (۱): مدل بوشمن و همکاران

کانال توزیع اطلاعات	کانال اکتساب اطلاعات و ارتباطات خصوصی	کانال گزارشگری شرکت
گزارش رسانه‌ها در رابطه با شرکت	میزان تعقیب تحلیل‌گران	شاخص‌های افشای مالی
		افشای حاکمیت شرکتی
		اصول حسابداری
		به موقع بودن
		قابلیت اعتماد

منبع: (بوشمن و همکاران، ۲۰۰۴)

با مطالعه پیشینه پژوهش (برای مثال بوتوسان (۱۹۹۷)، کوتاری و شرت (۲۰۰۳)، بارون (۲۰۰۳)، لئوز و همکاران (۲۰۰۳)، بوشمن و همکاران (۲۰۰۴)، بیدل و همکاران (۲۰۰۹)، بارث و همکاران (۲۰۱۰)، هیسن و همکاران (۲۰۱۰)، یان و یانگ (۲۰۱۱) و لنگ و همکاران (۲۰۱۱) و دبوکسی و گیل (۲۰۱۱) و...) و مرور شاخص‌های تک بعدی غیرمستقیمی که شفافیت را در سطح شرکت اندازه‌گیری می‌کنند (مانند شاخص‌های افشاء ساخته پژوهش‌گران و یا شاخص‌های افشاء سازمان‌های حرفه‌ای، کیفیت و مدیریت سود، توان تشریحی سود و رابطه سود و بازدهی، کیفیت استانداردهای حسابداری، کیفیت حسابرس، ویژگی اطلاعات افشاء شده توسط تحلیل‌گران و ویژگی پیش‌بینی سود مدیران و...) مشاهده می‌گردد که شاخص‌های شفافیت عموماً به چهار جنبه می‌پردازند که عبارتند از کمیت، کیفیت، ویژگی اطلاعات افشاء شده به افراد خاصی چون تحلیل‌گران و مالکان نهادی و اطلاعات افشاء شده توسط رسانه‌ها. در این پژوهش مدل بوشمن و همکاران توسعه یافته و شفافیت اطلاعاتی در سطح شرکت را بر حسب کمیت، کیفیت اطلاعات افشاء شده از جانب شرکت، معاملات نهانی اندازه‌گیری می‌شود. تعدیلات مدل بوشمن و همکاران و دلایل آن عبارتند از: (در قسمت‌های ذیل فقط ادبیات مرتبط باقی مانده و بخش‌هایی نیز اضافه گردیده است)

شاخص‌های افشای مالی و حاکمیت شرکتی و ریسک:

شاخص‌های افشاء، فهرستی گسترده از اقلام منتخبی می‌باشند که ممکن است به ذینفعان برون سازمانی افشاء شوند. شاخص افشاء می‌تواند مشتمل بر اقلام اجباری (احمد و نیکولز (۱۹۹۴) و

یا اختیاری ((بوتوسان (۱۹۹۷)، دپورز (۲۰۰۰)) یا هر دو مورد (بازبای (۱۹۷۵)، هیسن و همکاران (۲۰۰۹)) باشد. ممکن است اطلاعاتی هدف قرار گیرند که خود شرکت افشاء کرده و یا سایر منابع مانند تحلیل‌گران افشاء نموده باشند.

مروری بر پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که در ساخت این سازه، تفاوت‌های چشمگیری وجود دارد. این تفاوت‌ها از میزان دخالت محقق در ساخت شاخص، نوع افشای اطلاعات و نیز تعداد اقلام منظور شده در شاخص نشأت می‌گیرد. همچنین تفاوت‌ها ممکن است؛ ناشی از رویکرد اندازه‌گیری، تعداد صنایع و کشورهای تحت پوشش شاخص باشند. برای مثال از آنجا که سیاست افشای اجباری در کشورهای در حال توسعه فراگیرتر از کشورهای پیشرفته است؛ پژوهش‌هایی که در این کشورها انجام گرفته‌اند؛ عمدتاً به بررسی میزان رعایت مقررات مربوطه پرداخته‌اند (هیسن و همکاران، ۲۰۱۰).

پژوهش‌گر ممکن است که از شاخص‌های افشای موجود در تحقیقات پیشین و یا شاخص افشای سازمان‌های حرفه‌ای استفاده می‌کند پیشین (سالتر (۱۹۹۸)، بارون و همکاران (۱۹۹۹)، ریچاردسن و ولکر (۲۰۰۱)، هُپ (۲۰۰۳)، بوشمن و همکاران (۲۰۰۴) و علی و همکاران (۲۰۰۷) و یا خود شاخص مختص تحقیق خود را بسازد. نمونه‌ای از این شاخص‌ها، شاخص شفافیت و افشای استاندارداند پورز^۳ است. اغلب محققان تمایل دارند تا شاخص‌های خود را بسازند که متناسب با تحقیق آن‌هاست؛ اما حجم نمونه این دسته از تحقیقات که از شاخص‌های خود ساخته استفاده می‌کنند؛ به دلیل اتکای فرایند جمع‌آوری داده‌ها بر کار انسانی کوچک است. همچنین با توجه به این که نوع و تعداد اقلام اطلاعاتی که در شاخص افشاء مشمول می‌شوند؛ قضاوتی است؛ محدودیت بالقوه دیگر ناشی از کاربرد این شاخص‌ها برای اندازه‌گیری سطح افشاء این است که نتایج فقط تا حدی معتبرند که شاخص مورد استفاده مناسب باشد (هیسن و همکاران، ۲۰۰۹).

لازم به ذکر است که تا کنون در تحقیقات انجام شده تا به این تاریخ در ساخت شاخص افشاء، روابط متقابل بین اقلام اطلاعات نادیده گرفته شده است؛ این موضوع موجب می‌شود تا محتوای اطلاعاتی مازاد ناشی از هر قلم اطلاعاتی گنجانده شده در شاخص به حساب گرفته نشود (هیسن و همکاران، ۲۰۰۹).

در کانال گزارشگری شرکت، معیار ریسک و فرصت‌های سرمایه‌گذاری به دلیل نقش مهم این عوامل در ارزش‌گذاری شرکت به مدل اضافه شده است؛ تحقیقات بسیاری از جمله تحقیق آمیهود و مندلسون (۱۹۸۶) و طارمی (۱۳۸۵) بر اهمیت ریسک صحه گذاشته‌اند. پیتل و دالاس (۲۰۰۲) همبستگی قابل ملاحظه‌ای را بین شاخص افشاء و عوامل تعیین‌کننده بازدهی مورد انتظار مشتمل بر ریسک بازار، اندازه و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری مستند کردند؛ چنگ و همکاران (۲۰۰۳) دریافتند که هرچه میزان شفافیت شرکتی بر مبنای شاخص استاندارد و پورز بیشتر باشد؛ بتای شرکت کاهش یافته و میزان بازدهی غیرعادی تعدیل شده بابت ریسک و ضریب واکنش سود در زمان اعلام رتبه یاد شده افزایش می‌یابد.

کیفیت استانداردهای حسابداری

استانداردهای حسابداری منتخب یک شرکت، تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر کیفیت اطلاعات حسابداری ارائه شده توسط سیستم گزارشگری آن شرکت دارد. تحقیقات متعددی وجود دارند که بر تأثیر مفید کاربرد استانداردهای حسابداری بین‌المللی بر کیفیت محیط اطلاعاتی شرکت صحه گذاشته‌اند (هیل و لئوز، ۲۰۰۹)، همچنین بخش وسیعی از ادبیات حسابداری بین‌المللی، استفاده از استانداردهای حسابداری بین‌المللی را به عنوان شاخص شفافیت بیشتر گزارشگری مالی در سطح شرکت دانسته‌اند. منطبق استفاده از این شاخص این است که استفاده از استانداردهای حسابداری بین‌المللی در کشورهایی که استانداردهای حسابداری محلی ضعیفی دارند؛ کیفیت اطلاعات حسابداری را افزایش می‌دهد. بهرحال تحقیقاتی مانند تحقیق دیسک و همکاران (۲۰۰۹) عنوان نمود که شرکت‌ها اغلب به صورت داوطلبانه اقدام به پذیرش استانداردهای بین‌المللی می‌نمایند؛ بدون این که پذیرش این استانداردها منجر به اثرات اقتصادی واقعی و یا تغییرات محتوایی قابل ملاحظه گردد. همچنین تحقیق دیسک و همکاران (۲۰۰۸) نشان داد که پذیرش اجباری استانداردهای حسابداری بین‌المللی تنها در کشورهایی که شرکت‌ها از انگیزه لازم برای شفافیت برخوردار بوده و این اجبار دارای ضمانت اجرایی باشد؛ برای بازار سرمایه اثرات مثبتی به بار خواهد آورد. بنابراین با وجود پیچیدگی‌های مرتبط با این معیار (برای مثال عدم تعهد به کاربرد صادقانه این استانداردها) به نظر می‌رسد این معیار شاخص مناسبی برای محیط اطلاعاتی شفاف نباشد؛ لذا از مدل حذف می‌گردد.

کیفیت حسابرس

انتخاب یا عدم انتخاب حسابرس مستقل باکیفیت نیز می‌تواند به عنوان شاخص تعهد شرکت به شفافیت در گزارشگری مالی تعبیر گردد. تحقیقات پیشین مانند تئو و وانگ (۱۹۹۳) عنوان نمودند که در آمریکا، کیفیت اطلاعات حسابداری شرکت‌های مورد رسیدگی پنج موسسه حسابرسی بزرگ نسبت به شرکت‌های مورد بررسی سایر موسسات بیشتر است. همچنین سایر پژوهش‌ها مانند پژوهش دفوند و همکاران (۲۰۰۰) نشان دادند که در کشورهای در حال توسعه، حق الزحمه پنج موسسه بزرگ دارای صرف حق الزحمه است که نشانگر ارائه خدمات باکیفیت‌تر توسط این موسسات است. انتخاب خدمات حسابرسی باکیفیت ممکن است یکی از روش‌های شرکت‌ها برای غلبه بر عدم شفافیت محیط اطلاعاتی باشد؛ برای مثال فون و ونگ (۲۰۰۵) نشان دادند که شرکت‌های آسیای شرقی به منظور کاهش مسئله نمایندگی و عدم شفافیت ناشی از مالکیت متمرکز از خدمات حسابرسی باکیفیت بالا استفاده می‌کنند؛ به ویژه اگر سهام شرکت‌ها در بازارهای بین‌المللی مورد داد و ستد قرار گیرد. بنابراین به نظر می‌رسد این شاخص یکی از شاخص‌های معتبر شفافیت گزارشگری مالی باشد و کماکان در مدل به عنوان معیاری از قابلیت اعتماد شرکت و تعهد آن به ارائه اطلاعات باکیفیت باقی خواهد ماند.

مدیریت سود

هیرست و همکاران (۲۰۰۴) عنوان نمودند که لابی‌های متعدد مدیران برای استفاده از فرمت‌های غیرشفاف و مبهم در گزارشگری، شواهد غیرمستقیمی به دست می‌دهد که هزینه‌ها و مزایای مدیریت سود تحت تأثیر شفافیت است. برای مثال ماینس و مک دانیال (۲۰۰۰) به لابی‌هایی اشاره می‌کنند؛ که در جهت افشای اجزای سود جامع، هزینه‌های طرح اختیار سود در یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی و نیز تهیه صورت جریان نقد به روش غیرمستقیم صورت گرفت. در تمامی موارد فوق، تصمیم اولیه هیئت استانداردهای حسابداری مالی بر رویه افشای شفاف‌تر بوده است؛ اما به دنبال فشارهای تهیه‌کنندگان اطلاعات، رویه افشایی مورد تصویب نهایی این هیئت قرار گرفت که از شفافیت کمتری برخوردار است. چنین رفتارهایی نشان می‌دهد که مدیران معتقدند انتخاب رویه افشای غیرشفاف دارای منفعت است. این گفته در راستای استدلال‌های لاند هولم (۱۹۹۹) و هیرست و همکاران (۲۰۰۳) است که معتقدند که اگر کشف مدیریت سود آسان باشد؛ شرکت‌ها در صورت ارتکاب مدیریت سود، مجازات

می‌شوند؛ همچنین موید دیدگاه فیلد و همکاران (۲۰۰۱) است که بیان می‌کنند؛ مدیران منطقی در غیاب منافع مورد انتظار درگیر مدیریت سود نمی‌شوند؛ و این منافع مستلزم این واقعیت هستند که حداقل برخی از استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری قادر نیستند و یا تمایل ندارند اثرات مدیریت سود را خنثی کنند. هیلی و ویلن (۱۹۹۹) مدیریت سود را گزارش غیر واقعی عملکرد اقتصادی یک شرکت تعریف نمودند که به منظور گمراه نمودن برخی ذینفعان و یا تحت تأثیر قرار دادن نتایج قراردادی انجام می‌گردد. بنابراین احتمال می‌رود شرکت‌هایی که سودشان کمتر مدیریت شده باشد؛ کیفیت حسابداری بالاتری داشته و شفاف‌تر باشند. تحقیقات پیشین (مانند بیدل و همکاران (۲۰۰۹)، فرانسیس و همکاران (۲۰۰۴)، کردستانی و مجدی (۱۳۸۶)، نوروش و حصارزاده (۱۳۸۹)) بر اهمیت سود و کیفیت آن تاکید نموده‌اند. همچنین دیدگاه‌های بلومفیلد (۲۰۰۲) و هریشلیر و تئو (۲۰۰۳) عنوان می‌کنند؛ کشف آسان مدیریت سود به دلیل شفافیت گزارشگری مالی، ارزش مورد انتظار مدیریت سود را کاهش می‌دهد؛ اگر مدیران در مورد قیمت سهام نگران باشند؛ الزام به شفافیت بیشتر در گزارشگری مالی، مدیریت سود را کاهش داده و از رواج آن خواهد کاست. ماینس و مک دانیل (۲۰۰۰) نیز تاکید می‌کنند که شفافیت بیشتر زمانی حاصل می‌شود که تحصیل و تفسیر اطلاعات آسان‌تر شود. لی و همکاران (۲۰۰۵) بیان می‌کنند که شرکت‌هایی که اقدام به مدیریت سود می‌کنند؛ به احتمال زیاد، رویه افشایی را برمی‌گزینند که شفافیت کمتری دارد. بنابراین به نظر می‌رسد؛ که مدنظر قرار دادن بعد کیفیت سود به عنوان یکی از ابعاد شفافیت گزارشگری مالی موجب غنای مدل خواهد شد.

ویژگی‌های پیش‌بینی سود مدیران

تحقیقات پیشین (اسپنس (۱۹۷۳)، دایموند و ورکچیا (۱۹۹۱) و هیلی و همکاران (۱۹۹۹)) کوشیده‌اند تا عواملی را شناسایی کنند که موجب پیش‌بینی اختیاری سود توسط مدیران می‌شود؛ اغلب این پژوهش‌ها بر مبنای تئوری علامت‌دهی بینان گذاشته شده‌اند. (پپین بیم و همکاران، ۲۰۰۲). پژوهش‌های اولیه (مانند پژوهش بوشمن (۱۹۹۱)، لنگک و لاندوهوم (۱۹۹۶) و هیلی و همکاران (۱۹۹۹)) عنوان نمودند که در غیاب الزامات افشاء و با وجود پیش‌بینی سود تحلیل‌گران اوراق بهادار که کم ریسک‌تر است؛ مدیران برای افشای اختیاری سود انگیزه دارند. این دسته از پژوهش‌ها به دقت اطلاعات توجهی نداشتند. به علاوه این تحقیقات با چشم‌پوشی سیستماتیک

از برآوردهای ناقص اما فرگیر سود، تفاوت‌های مقطعی رفتار افشای مدیران را مدنظر قرار نداده‌اند. تحقیقات بعدی مانند پژوهش پین‌ییم و همکاران (۲۰۰۲) با لحاظ کردن شرکت‌هایی که در یک سال فاقد پیش‌بینی سود می‌باشند؛ در گروه کنترل و با استفاده از تکنیک‌های مستقیم جفت‌یابی، سعی کردند تا بر نقاط ضعف تحقیقات پیشین فائق آیند.

بهرحال تحقیقات این حوزه با مسائل دیگری نیز مواجه بوده‌اند؛ برای مثال، این پرسش مطرح شده است که آیا اجبار مدیران به پیش‌بینی سود، محیط اطلاعاتی را بهبود خواهد داد؟ آیا در صورت اجبار مدیران به افشای سود، رفتار متفاوتی از افشای اختیاری سود خواهند داشت؟ آیا افشای اجباری سود، عواقب غیرقابل پیش‌بینی دیگری دارد؟ بر مبنای تحقیقات پیشین مانند بییر و همکاران (۲۰۱۰) افشای اختیاری نقش قابل توجهی در توسعه بازارهای سرمایه ایفا می‌کند؛ برای مثال، افشای اختیاری سود در دهه گذشته، تامین کننده ۵۵٪ اطلاعات حسابداری در دسترس سرمایه‌گذاران در بازار آمریکا بوده است. افشای اجباری می‌تواند با افزایش کمیت اطلاعات در دسترس سرمایه‌گذاران به ویژه سرمایه‌گذاران اقلیتی که به منابع اطلاعات خصوصی دسترسی اندکی دارند؛ آن‌ها را منتفع سازد. اما اگر اجبار، اختیار مدیرانی را نقض کند که در موقعیت بهتری برای ارزیابی منافع و هزینه‌های ناشی از افشاء قرار دارند؛ می‌تواند عواقب وخیمی نیز به دنبال داشته باشد.

به عنوان یک اقتصاد نوظهور، بازار سرمایه ایران به صورت کامل توسعه نیافته است و بنابراین، هنوز نیروهای بازار، انگیزه قوی برای افشای اختیاری ارائه نمی‌کنند. از طرفی، نتیجه تحقیقات در سایر کشورهای دنیا مانند چین (هانگ و همکاران، ۲۰۱۳) نشان داده است که اجبار به افشای پیش‌بینی سود، کمیت اطلاعات در دسترس عموم را افزایش می‌دهد؛ اما این افزایش، الزاما منجر به بهبود محیط اطلاعاتی سهامداران نمی‌شود. پیش‌بینی‌ها ممکن است به موقع نبوده و بدون دقت و نادرست باشند و لذا از کیفیت اندکی برخوردار باشند (هانگ و همکاران، ۲۰۱۳).

بازارهای سرمایه همچنان با این مسئله روبرو هستند که آیا اجبار مدیران به افشای سود، محیط اطلاعاتی شرکت را بهبود می‌دهد؟ انتظار می‌رود ویژگی پیش‌بینی مدیران در شرایط اختیاری و اجباری متفاوت باشد. در شرایطی که برای پیش‌بینی سود، اجباری وجود نداشته باشد؛ تصمیم شرکت برای افشاء اغلب از سنجش هزینه‌های افشاء در مقابل منافع آن حاصل می‌شود. مدیرانی

که به دلیل اجبار به پیش‌بینی سود اقدام می‌نمایند؛ ممکن است در مقایسه با سایر مدیران که برای ارائه اطلاعات صحیح و به موقع به بازار انگیزه دارند؛ تلاش کمتری در پیش‌بینی سود آتی نمایند. زمانی که مدیر به این نتیجه می‌رسد که هزینه‌های افشاء بیشتر از منافع آن است؛ ممکن است به منظور کاهش هزینه‌ها، در پیش‌بینی سود تاخیر کرده و یا از آن ممانعت نماید. بنابراین انتظار می‌رود پیش‌بینی اجباری سود از دقت کمتری برخوردار بوده و تاخیر داشته باشد (هانگ و همکاران، ۲۰۱۳). با توجه به این مهم که در این پژوهش، هدف شناسایی ویژگی‌هایی در سطح شرکت است که عدم اطمینان در مورد ارزش ذاتی را کاهش می‌دهد؛ شاخص صحت پیش‌بینی سود مدیران نیز به کانال گزارشگری شرکت اضافه شده است؛ این شاخص به عنوان شاخص شفافیت محیط اطلاعاتی شرکت تعریف می‌شود و به کنترل سود غیر منتظره و سوگیری در پیش‌بینی سود می‌پردازد.

کانال اکتساب اطلاعات و ارتباطات خصوصی:

پوشش تحلیل‌گران و ویژگی‌های پیش‌بینی سود توسط آن‌ها، یکی از شاخص‌های رایج شفافیت گزارشگری مالی است. به‌رحال همان‌گونه که تحقیقات پیشین خاطر نشان کرده‌اند؛ رابطه بین تحلیل‌گران و شفافیت پیچیده است. برای مثال، در تحلیل پوشش زیاد یک شرکت توسط تحلیل‌گران، در ادبیات دو سناریوی مختلف وجود دارد: نخست، اگر تحلیل‌گران به دنبال سهامی باشند که اطلاعات عموم در مورد آن‌ها اندک است؛ پوشش بیشتر تحلیل‌گران بیانگر عدم تقارن اطلاعاتی بزرگتر خواهد بود؛ از طرفی ممکن است تحلیل‌گران با توجه به عدم دسترسی به اطلاعات مناسب و کافی در ارزیابی سرمایه‌گذاری‌های بالقوه شرکت، به تعقیب شرکت‌های دارای اطلاعات اندک و بی‌کیفیت تمایلی نداشته باشند. بوشمن و همکاران (۲۰۰۴) همبستگی مثبتی بین پوشش تحلیل‌گران و کیفیت افشاء و نیز حفاظت سرمایه‌گذاران یافتند. لنگ و همکاران (۲۰۱۱) همبستگی منفی بین پوشش تحلیل‌گران و عدم تقارن اطلاعاتی یافتند. بنابراین در کل، بخش عمده‌ای از ادبیات حسابداری بر این باور است که لااقل در سطح بین‌الملل، میزان پوشش تحلیل‌گران، شاخصی از غنای محیط اطلاعاتی شرکت است. به علاوه گرچه ممکن است که سطح پوشش تحلیل‌گران شاخص کیفیت افشای شرکت نباشد؛ اما آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد (رولستون (۲۰۰۳) و لنگ و همکاران (۲۰۰۴)).

علاوه بر تعداد تحلیل‌گران پوشش دهنده یک شرکت، صحت پیش‌بینی تحلیل‌گران، شاخصی از شفافیت محیط اطلاعاتی شرکت است. لنگک و لندهوم (۱۹۹۶) و جین و مایرز (۲۰۰۶) عنوان نمودند که تنوع پیش‌بینی تحلیل‌گران تابعی از اطلاعات خصوصی پنهانی مرتبط با شرکت است. این یافته‌ها نشانگر این امر است که ویژگی‌های پیش‌بینی تحلیل‌گران نیز می‌تواند شاخصی مفید از شفافیت گزارشگری مالی در سطح شرکت باشد. در ایران با توجه به عدم دسترسی به پیش‌بینی تحلیل‌گران و وجود خلاء قابل ملاحظه در این رابطه در بازار سرمایه کشور، امکان استفاده از این شاخص در سنجش شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌ها وجود ندارد. بنابراین به منظور بررسی کانال اکتساب اطلاعات و ارتباطات خصوصی امکان محاسبه شاخص‌های مستقیمی مانند میزان تعقیب تحلیل‌گران مالی وجود ندارد؛ اما می‌توان از شاخص‌های غیرمستقیم موجود در ادبیات و پیشینه پژوهش مانند میزان مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی و میزان تامین منابع شرکت از محل بدهی استفاده نمود. سرمایه‌گذاران اتم از افراد حقیقی یا حقوقی تمایل دارند تا در مورد شرکت‌هایی که در آن‌ها سرمایه‌گذاری کرده‌اند و یا مایل به سرمایه‌گذاری هستند؛ اطلاعات کسب کنند. و هر چه میزان سرمایه‌گذاری آن‌ها بزرگتر باشد؛ با توجه به اینکه هزینه‌های جمع‌آوری اطلاعات، ثابت است؛ و مزایای آن با حجم سرمایه‌گذاری متناسب می‌باشد؛ تمایل به جمع‌آوری اطلاعات افزایش خواهد یافت. از آنجا که عموماً، حجم سرمایه‌گذاری‌های افراد حقوقی بیش از افراد حقیقی است؛ لذا انتظار می‌رود انگیزه نهادها و شرکت‌ها برای جمع‌آوری اطلاعات بیشتر باشد. اغلب سرمایه‌گذاران نهادی دارای تحلیل‌گران حرفه‌ای هستند که به جمع‌آوری اطلاعات در مورد شرکت‌های موجود در پرتفوی یا شرکت‌های بالقوه برای سرمایه‌گذاری جدید می‌پردازند. با تحلیل این داده‌ها، اطلاعاتی در مورد ارزش ذاتی شرکت، پیش‌بینی سود، سهم بازار محصولات، سطح تکنولوژی شرکت و غیره کسب می‌شود. چنین اطلاعاتی در تصمیمات سرمایه‌گذاری این نهادها مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ اما گاهی در اختیار مشتریان آن‌ها نیز گذاشته می‌شود. در فرایند جمع‌آوری داده‌ها و کسب اطلاعات، به ویژه زمانی که حجم سرمایه‌گذاری زیاد باشد؛ تحلیل‌گران ارتباط نزدیکی با مدیران برقرار می‌کنند؛ و نه تنها بر تصمیمات سرمایه‌گذاری، تامین مالی و عملیاتی مدیران نظارت می‌کنند؛ بلکه حسابداری و گزارشگری نتایج این فعالیت‌ها را نیز مدنظر قرار می‌دهند. از دیدگاه مدیران، چون اغلب فعالیت‌های آن‌ها توسط سرمایه‌گذاران نهادی کنترل می‌شود؛ از

اختیار عمل کافی برای اعمال اقدام اختیاری در حسابداری و گزارشگری برخوردار نیستند. (کیو چوی و ووک سئو، ۲۰۰۸).

و از آنجا که اعتباردهندگان هم بر اطلاعات ارائه شده توسط شرکت استناد می‌کنند و هم بر این اطلاعات تأثیر می‌گذارند؛ این سازه به مدل افزوده شده است. آگراوال و کیاو (۲۰۰۹) عنوان نمودند که بر طبق پژوهش‌های پیشین از جمله یو (۲۰۱۰) اهمیت شفافیت گزارشگری مالی و سیاست افشای شرکت بر هزینه‌های تامین مالی شرکت مستند شده است؛ پژوهشگران معتقدند؛ محیط تجاری ملی بر میزان شفافیت مالی شرکت‌ها موثر است. بنابراین سطح شفافیت در کشورهای مختلف، متفاوت است و این تفاوت‌ها ممکن است بر ساختار سرمایه شرکت تأثیر داشته باشند. پژوهش‌های عنوان شده نشان دادند که میزان تعقیب تحلیلگران به صورت منفی و معناداری با نسبت بدهی شرکت‌ها مرتبط است؛ همچنین بر مبنای این پژوهش، رابطه مثبت و معناداری بین میزان استفاده از بدهی به عنوان منبع تامین مالی و به موقع بودن افشاء، مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی و وجود قوانین مرتبط با محدود نمودن معاملات داخلی وجود دارد. یادآوری می‌گردد؛ با توجه به شرایط خاص محیطی کشور و نبود رسانه‌هایی که در جهت شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌ها فعالیت می‌نمایند؛ بعد رسانه در این پژوهش از کانال‌های شفافیت مستثنی شده است.

۲- روش پژوهش

در این پژوهش، دیدگاه جامعی از شفافیت شرکت که مشتمل بر اطلاعات عمومی و خصوصی است؛ پذیرفته شده است و مفهوم شفافیت از مقدار اطلاعات افشاء شده بسط می‌یابد تا مکانسیم‌های اطلاعاتی ایجادکننده شفافیت را در محیط شرکت مدنظر قرار دهد. بدین منظور در آغاز، دو کانال پیشنهاد شده در چارچوب مفهومی بوشمن و همکاران (۲۰۰۴) مبنای قرار گرفتند؛ و با مطالعه پیشینه پژوهش، متغیرهایی جهت بهبود اندازه‌گیری سازه شفافیت به آن افزوده شد. لذا مدل شفافیت گزارشگری مالی این پژوهش به مکانسیم‌هایی توجه داشته است که اطلاعات از طریق آن‌ها به سرمایه‌گذاران انتقال می‌یابد؛ این مکانسیم‌ها مشتمل بر گزارشگری شرکت و کسب اطلاعات نهانی است؛ که کمیت اطلاعات افشاء شده به عموم،

کیفیت آن‌ها و کسب اطلاعات نهانی را مدنظر قرار می‌دهد. در این پژوهش با توجه به نبود داده‌های لازم، بعد اطلاعات رسانه‌ای که در تحقیقات پیشین (بوشمن و همکاران (۲۰۰۴)، دبوکسی و گیلت (۲۰۱۱)) به عنوان جزئی از مدل شفافیت گزارشگری مالی مدنظر قرار گرفته است؛ از مدل مستثنی گردیده است. به منظور سنجش اعتبار مدل پیشنهادی در محیط اطلاعاتی ایران، پرسشنامه‌ای طراحی شد تا نظر کارشناسان خبره دانشگاهی و حرفه‌ای در این زمینه اخذ گردد. بنابراین اولین سوال تحقیق عبارتست از:

اولین سوال تحقیق: آیا از دیدگاه خبرگان مدل شفافیت پیشنهادی، معیار مناسبی برای سنجش شفافیت گزارشگری مالی است؟

به منظور پاسخ به سوال فوق، دیدگاه تعدادی خبره برای سنجش میزان اهمیت متغیرها از روش غربال فازی، پالایش شده است. به علاوه اهمیت هر یک از متغیرهای مورد بررسی با توجه به میانگین نظرات خبرگان نیز مورد بررسی قرار گرفته؛ همچنین با توجه به وجود دو بُعد اصلی و ابعاد فرعی ساختار مدل پیشنهادی نیز از دیدگاه خبرگان آزمون شد تا روایی آن با توجه به ساختار چند بُعدی مورد تایید قرار گیرد.

با توجه به هدف ثانویه پژوهش (پیشنهاد رتبه‌بندی شرکت‌ها بر اساس میزان شفافیت آن‌ها، و جلب توجه سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان به جنبه‌هایی از فعالیت‌های شرکت که در محیط اطلاعاتی ایران نیازمند افشای بیشتری جهت تصمیم‌گیری است)، در این پژوهش کوشش گردید تا وضعیت فعلی شفافیت گزارشگری مالی (با تاکید بر دیدگاه مورد پذیرش از شفافیت در این پژوهش) از دیدگاه خبرگان ارزیابی گردد؛ در حقیقت سعی شد تا شکاف بین انتظارات و ادراکات در زمینه هر یک از ابعاد مدل، بررسی شود. بنابراین دومین سوال پژوهش عبارتست از:

دومین سوال پژوهش: آیا از دیدگاه خبرگان مالی تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب (مدل پیشنهادی) گزارشگری مالی وجود دارد؟

در این گام با استفاده از آزمون t زوجی (وابسته) شکاف بین انتظارات و ادراکات در زمینه هر یک از متغیرهای مدل پیشنهادی از دیدگاه خبرگان بررسی گردیده است.

۳- جامعه آماری

پاسخ‌دهندگان این پژوهش پیمایشی، خبرگان حرفه‌ای و دانشگاهی هستند که دارای ویژگی‌های ذیل باشند:

- اعضای هیئت علمی و دانشجویان دکتری
- مدیران حسابرسی
- مدیران عامل و اعضای هیئت مدیره شرکت‌ها
- مدیران و تحلیل‌گران شرکت‌های سرمایه‌گذاری، کارگزاری‌ها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری

۴- روش تحقیق

گرچه در این پژوهش برای توسعه مدل از یک تئوری مشخص استفاده نشده است؛ و تئوری‌های رقیبی که به شفافیت در سطح شرکت می‌پردازند؛ به همراه هم مدنظر قرار گرفته‌اند؛ اما به منظور ارزیابی ابعاد بالقوه شفافیت گزارشگری مالی در محیط اطلاعاتی ایران، تعریف بوشمن و همکاران مدنظر قرار گرفته است. پذیرش دیدگاه خاص بوشمن و همکاران (۲۰۰۴) از شفافیت گزارشگری مالی موجب شده است که مفهومی از شفافیت شرکت مدنظر قرار گیرد که به موجب آن هسته مرکزی مدل این پژوهش از دو کانال ویژه گزارشگری شرکت و اکتساب اطلاعات و ارتباطات خصوصی (بوشمن و همکاران، ۲۰۰۴) تشکیل شده است؛ لذا عامل غربال جهت انتخاب اجزای مدل، مدنظر قراردادن کمیت، کیفیت و سایر ویژگی اطلاعاتی است که توسط شرکت به عموم و یا افراد خاصی مانند سرمایه‌گذاران نهادی ارائه می‌گردد. مدل پیشنهادی این پژوهش به شرح نگاره ذیل است:

تکانه (۲): مدل پیشنهادی سنجش شفافیت گزارشگری مالی

معیارهای کسب اطلاعات و روابط خصوصی	معیارهای گزارشگری شرکت
میزان مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی	مالی
	راهبری شرکتی
	ریسک‌ها و فرصت‌های رشد شرکت
میزان تامین منابع شرکت از محل بدهی	به موقع بودن
	قابلیت اعتماد
	مدیریت سود
	معیار دقت پیش‌بینی سود مدیران

معیارهای مالی، راهبری شرکتی و ریسک نخستین عامل شفافیت را می‌سازند (CTF1)؛ که از آن با عنوان کمیت اطلاعات افشاء شده به عموم یاد خواهد شد و بُعدی از شفافیت شرکت را معرفی می‌کند که بر مبنای آن، اطلاعاتی در مورد عملکرد دوره، موقعیت مالی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، راهبری، ارزش و ریسک به عموم افشاء می‌شود. این عامل بر مقدار اطلاعات افشاء شده به عموم متمرکز بوده و کیفیت افشاء را مدنظر قرار نمی‌دهد. دومین عامل شفافیت (CTF2) که عامل، کیفیت اطلاعات نامیده می‌شود؛ مشتمل بر کیفیت سود و صحت پیش‌بینی مدیران است و به کیفیت افشای اطلاعات مالی می‌پردازد. این عامل به صورت معمول، مکمل عامل اول است. تنها متغیر موثر بر عامل سوم (CTF3)، میزان مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی است و نشانگر قدرت این دسته از سرمایه‌گذاران در دست‌یابی به اطلاعات موردنظر آنهاست که عموماً مازاد بر اطلاعاتی است که به عموم افشاء شده است. این متغیر اطلاعات نهانی نامیده می‌شود. متغیرهای به موقع بودن افشاء، قابلیت اعتماد افشاء و میزان تامین منابع شرکت از محل بدهی نیز عامل چهارم (CFT4) شفافیت را شکل می‌دهند.

یادآوری می‌گردد؛ در مدل بوشمن به منظور اندازه‌گیری اطلاعات افشاء شده به عموم (مشتمل بر ابعاد مالی و راهبری) از شاخص شفافیت مرکز تحقیق و تحلیل مالی بین‌المللی^۴، استفاده نموده است؛ در این پژوهش به منظور سنجش این ابعاد و نیز بعد ریسک و فرصت‌های رشد، برخی از متداول‌ترین شاخص‌های رتبه‌بندی شفافیت گزارشگری مالی دنیا (شاخص استاندارد و پورز^۵، شاخص مرکز پژوهش و تحلیل مالی بین‌المللی، شاخص سازمان توسعه و هماهنگی اقتصادی و شاخص حمایت از سرمایه‌گذاران^۶) مورد بررسی قرار گرفتند؛ سپس بر

اساس شرایط محیطی ایران و رویه مسیریابی مفهومی^۷ زیر معیارهایی جهت اندازه‌گیری ابعاد مختلف هر یک از شاخص‌های یاد شده انتخاب گردید (پیوست ۱). که در بخش مالی زیر بخش‌های تمرکز کسب و کار مشتمل بر ۱۱، رویه‌های حسابداری ۷، اشخاص وابسته و معاملات آنها ۲، و حسابرسی و اطلاعات عمومی شرکت مشتمل بر ۵ زیر معیار است. در بخش راهبری نیز ساختار مالکیت، مشتمل بر ۲، فرایند و ساختار هیئت مدیره مشمول ۷ زیر معیار می‌باشد؛ تعریف عملیاتی سایر ابعاد مدل به شرح ذیل است:

به موقع بودن: تفاوت بین پایان سال مالی شرکت و تاریخی که شرکت‌ها برای اولین بار، سود سال مالی خود را در سایت‌های متعلق به سازمان بورس و اوراق بهادار گزارش کرده‌اند.

قابلیت اعتماد: که برابر است با میزان دستمزد حساب‌برسان به عنوان شاخص میزان تلاش آن‌ها که توسط عامل مجموع دارایی‌ها به عنوان شاخص پیچیدگی کار مقیاس‌زدایی شده است.

به منظور محاسبه شاخص صحت پیش‌بینی مدیران متغیرهای ذیل محاسبه می‌شوند:

شاخص اولیه صحت پیش‌بینی: مقدار قدر مطلق اشتباه پیش‌بینی که در عدد ۱- ضرب شده و با استفاده از قیمت سهم در پایان سال مالی قبل مقیاس‌زدایی شده است. اشتباه پیش‌بینی برابر است با میانگین پیش‌بینی سالیانه مدیران منهای سود واقعی. شاخص سوگیری: مقدار اشتباه پیش‌بینی که با استفاده از قیمت سهم در پایان سال مالی قبل مقیاس‌زدایی شده است. شاخص سود غیرمنتظره: سود هر سهم منهای سود هر سهم در سال مالی قبل که با استفاده از قیمت سهم در پایان سال مالی قبل مقیاس‌زدایی شده است. سپس شاخصی به نام صحت پیش‌بینی مدیران محاسبه می‌شود که برابر است با مقدار باقی مانده رگرسیونی متغیر شاخص اولیه صحت پیش‌بینی بر روی متغیرهای شاخص سوگیری و شاخص سود غیرمنتظره

سرمایه‌گذاران نهادی درصد مالکیت سهام شرکت توسط مالکان نهادی

میزان تامین منابع شرکت از محل بدهی‌ها: مساوی خواهد بود با نسبت بدهی‌های بلندمدت

بر مجموع دارایی‌ها

کیفیت سود: با استفاده از معیار پیشنهادی ایسو کی (۲۰۰۸) سنجیده می‌شود؛ او عنوان کرد که مدل دچو و دچو، اقلام تعهدی با کیفیت بالا را مد نظر قرار نمی‌دهد. او مدل تعدیلی را پیشنهاد کرد که ارتباط مازادی را بین اقلام تعهدی جاری و جریان‌های نقدی آتی و گذشته علاوه بر رابطه بین اقلام تعهدی جاری و جریان‌های نقدی جاری بر قرار می‌کند. این معیار در ۲ مرحله تخمین می‌شود. همان طور که ملاحظه گردید؛ سایر بخش‌های مدل نیز هر یک با یک معیار مورد سنجش قرار گرفته‌اند؛ بدین ترتیب مدل پیشنهادی دارای ۴۱ شاخص است.

۵- یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی پژوهش به شرح ذیل است:

تکانه (۳): توزیع فراوانی پاسخ دهندگان براساس جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد	فراوانی تراکمی
مرد	۱۴۱	۷۷/۰۵	۷۷/۰۵
زن	۴۲	۲۲/۹۵	۱۰۰
* /کل	۱۸۳	۱۰۰	-

تکانه (۴): فراوانی پاسخ دهندگان براساس وضعیت شغلی

وضعیت شغلی	فراوانی	درصد	فراوانی تراکمی
مدیر عامل و عضو هیئت مدیره	۱۳	۷/۱	۷/۱
عضو هیئت علمی	۵۱	۲۷/۸۷	۳۴/۹۷
مدیر حسابرسی	۲۴	۱۳/۱	۴۸/۰۷
دانشجوی دکتری	۵۳	۲۸/۹۶	۷۷/۰۳
مدیر سرمایه‌گذاری	۲۹	۱۵/۸۴	۹۲/۸۷
سایر	۱۳	۷/۱۳	۱۰۰

۵-۱- تحلیل عاملی تاییدی

در این مطالعه برای سنجش متغیرهای تحقیق از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. همان طور که پیش‌تر عنوان گردید؛ مدل پیشنهادی دارای دو بُعد اصلی است: معیار گزارشگری شرکت و معیار کسب اطلاعات و روابط خصوصی. هر معیار اصلی نیز از تعدادی عامل و شاخص نهایی تشکیل شده‌اند. در این بخش از پژوهش، از تحلیل عاملی تاییدی برای سنجش روابط متغیرهای

پنهان با گویه‌های سنجش آن‌ها استفاده شده است. به عبارت بهتر، جهت اثبات اندازه‌گیری درست داده‌ها از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شده است. قدرت رابطه بین عامل (متغیر پنهان) و متغیر قابل مشاهده بوسیله بار عاملی نشان داده می‌شود. بار عاملی مقداری بین صفر و یک است. اگر بار عاملی کمتر از ۰/۲ باشد رابطه ضعیف در نظر گرفته شده و از آن صرف نظر می‌شود. بار عاملی بین ۰/۲ تا ۰/۶ قابل قبول است و اگر بزرگتر از ۰/۶ باشد؛ مطلوب خواهد بود (کلاین، ۱۹۹۸). به علاوه، چنانچه آماره آزمون یعنی آماره t بزرگتر از مقدار بحرانی $t_{0.05}$ یعنی ۱/۹۶ باشد؛ در اینصورت بار عاملی مشاهده شده معنادار است (عادل آذر و منصور مومنی، ۱۳۸۳).

بر مبنای تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری و با استفاده از نرم‌افزار LISREL و نرم افزار SPSS تحلیل عاملی تأییدی انجام شد. برای نیل به این منظور نخست آزمون نرمال بودن داده‌ها صورت گرفته است؛ سپس تحلیل عاملی تأییدی برای ابعاد افشای مالی راهبری که دارای زیر شاخه می‌باشند؛ و در نهایت برای کل مدل انجام شده است.

بر مبنای آزمون کلموگرف-اسمیرنوف توزیع داده‌های سنجش هر یک از ابعاد مورد بررسی نرمال است. بنابراین می‌توان از آزمون‌های پارامتریک و تحلیل عاملی تأییدی استفاده کرد. در گام بعد، تمامی متغیرهای تحقیق در قالب یک مدل کلی مورد آزمون عاملی قرار گرفتند. بار عاملی استاندارد تحلیل عاملی تأییدی برای سنجش قدرت رابطه بین هر عامل (متغیر پنهان) با متغیرهای قابل مشاهده آن (گویه‌های پرسشنامه) در تمامی موارد بزرگتر از ۰/۲ بدست آمده است. بنابراین ساختار عاملی پرسشنامه قابل تأیید است؛ براساس نتایج مشاهده شده بار عاملی آماره t شاخص‌های سنجش هر یک از ابعاد مورد مطالعه در سطح اطمینان ۵٪ مقداری بزرگتر از ۱/۹۶ می‌باشد؛ بنابراین همبستگی‌های مشاهده شده معنادار است. تحلیل عاملی مقیاس کلی پژوهش در سه مرحله اشباع شده است. به همین خاطر شاخص‌های برازش، مقادیر مطلوبی را نشان می‌دهند. شاخص برازش RSMEA برابر ۰/۰۳۵ بدست آمده است که حتی از مقدار سخت‌گیرانه ۰/۰۵ نیز کوچکتر است. مقدار χ^2 -دو بهنجار (خی‌دو تقسیم بر درجه آزادی) نیز ۱/۲۷ بدست آمده است و بسیار به یک نزدیک است. بنابراین مدل ساختاری مشاهده شده از برازش مطلوبی برخوردار است (در پیوست دو تا هفت نتایج آماری تحلیل عاملی تأییدی ارائه شده است).

ضریب آلفای کرونباخ از متداولترین روش‌های اندازه‌گیری اعتماد پذیری و یا پایایی پرسش نامه‌هاست. منظور از اعتبار یا پایایی پرسش نامه این است که اگر صفت‌های مورد سنجش با همان وسیله و تحت شرایط مشابه و در زمان‌های مختلف مجدداً اندازه‌گیری شوند؛ نتایج تقریباً یکسان حاصله شود. نگاره آزمون ضریب آلفای کرونباخ این پژوهش توسط نرم‌افزار SPSS به شرح ذیل است:

تعداد مشاهدات	آلفای کرونباخ
۴۱	۰/۸۵۵

همان‌طور که ملاحظه می‌شود مقدار آلفای محاسبه شده برابر ۸۵ درصد است، که مقدار قابل قبولی است.

۵-۲- شناسایی و غربال ارقام مدل با تکنیک دلفی فازی مبتنی بر نظر خبرگان

در این پژوهش بر مبنای مطالعه ادبیات و پیشینه پژوهش و مدنظر قرار دادن شرایط محیطی ایران، مدلی جامع برای سنجش شفافیت گزارشگری مالی در سطح شرکت پیشنهاد شد و سپس اعتبار این مدل از دیدگاه خبرگان دانشگاهی و حرفه‌ای بررسی گردید. برای غربال و تأیید نهایی شاخص‌ها از تکنیک دلفی فازی استفاده شده است و دیدگاه تعدادی خبره برای سنجش میزان اهمیت شاخص‌های مورد مطالعه از روش غربال فازی، پالایش شده است. در این مطالعه که از تکنیک دلفی با طیف پنج درجه لیکرت استفاده شده است؛ میانگین فازی میانگین‌های فازی نمرات افراد محاسبه شده و تجمیع میانگین اعداد فازی مثلثی و ذوزنقه‌ای توسط یک مقدار قطعی که بهترین میانگین مربوطه است؛ خلاصه شده است؛ این عملیات فازی زدایی است. میانگین فازی و برونداد فازی زدائی شده مقادیر مربوط به ۴۱ شاخص مدل بزرگتر از ۰/۶ هستند؛ و بنابراین اهمیت تمامی شاخص‌ها از دیدگاه خبرگان دانشگاهی و حرفه‌ای مورد تأیید قرار گرفته است.

نگاره (۳): میانگین فازی دیدگاه پنل خبرگان برای هریک از شاخص‌ها

معیارها	میانگین فازی	X1max	X2max	X3max	مقدار فازی زدایی شده
آگاهی از چشم‌انداز و مأموریت شرکت	(۰/۹۹, ۰/۸۷, ۰/۶۲)	۰/۸۲۷	۰/۸۳۷	۰/۸۴۸	۰/۸۴۸
استراتژی‌های شرکت	(۰/۹۸, ۰/۸۳, ۰/۵۸)	۰/۷۹۵	۰/۸۰۳	۰/۸۱۳	۰/۸۱۳
توصیف نوع کسب و کار شرکت	(۰/۹۷, ۰/۸۱, ۰/۵۶)	۰/۷۸۱	۰/۷۸۸	۰/۷۹۵	۰/۷۹۵

مقدار فازی زدایی شده	X3max	X2max	X1max	میانگین فازی	معیارها
۰/۸۳۰	۰/۸۳۰	۰/۸۲۰	۰/۸۱۱	(۰/۹۸, ۰/۸۵, ۰/۶)	روند تغییرات صنعت
۰/۷۷۵	۰/۷۷۵	۰/۷۶۵	۰/۷۵۸	(۰/۹۵, ۰/۷۹, ۰/۵۴)	عنوان بخش های تجاری به تفکیک خطوط کسب و کار
۰/۷۸۵	۰/۷۸۵	۰/۷۶۸	۰/۷۶۸	(۰/۹۶, ۰/۸, ۰/۵۵)	گزارش سهم بازار شرکت
۰/۷۵۸	۰/۷۵۸	۰/۷۵۸	۰/۷۴۸	(۰/۹۵, ۰/۷۷, ۰/۵۲)	گزارش مقدار فیزیکی محصولات تولید شده و فروش رفته
۰/۷۵۸	۰/۷۵۸	۰/۷۵۳	۰/۷۴۷	(۰/۹۵, ۰/۷۷, ۰/۵۲)	گزارش مشخصات دارایی های به کار گرفته شده
۰/۷۵۸	۰/۷۵۸	۰/۷۵۱	۰/۷۴۶	(۰/۹۵, ۰/۷۷, ۰/۵۲)	افشای شاخص های کارایی
۰/۷۹۵	۰/۷۹۵	۰/۷۸۶	۰/۷۷۸	(۰/۹۷, ۰/۸۱, ۰/۵۶)	جزئیات طرح های سرمایه گذاری سال آتی
۰/۷۴۸	۰/۷۴۸	۰/۷۴۵	۰/۷۳۹	(۰/۹۴, ۰/۷۶, ۰/۵۱)	نقش کلیدی ذینفعانی
۰/۸۳۰	۰/۸۳۰	۰/۸۲۲	۰/۸۱۲	(۰/۹۸, ۰/۸۵, ۰/۶)	انتشار گزارش های میان دوره ای شرکت
۰/۷۶۷	۰/۷۶۷	۰/۷۵۹	۰/۷۵۲	(۰/۹۵, ۰/۷۸, ۰/۵۳)	افشای رویه ها و استانداردهای حسابداری استفاده شده شرکت
۰/۷۶۸	۰/۷۶۸	۰/۷۶۱	۰/۷۵۵	(۰/۹۶, ۰/۷۸, ۰/۵۳)	آگاهی از رویه های ارزیابی دارایی ها
۰/۶۳۳	۰/۶۳۳	۰/۶۲۹	۰/۶۲۶	(۰/۸۵, ۰/۶۴, ۰/۳۹)	گزارش استهلاك دارایی های ثابت
۰/۷۷۵	۰/۷۷۵	۰/۷۷۰	۰/۷۶۲	(۰/۹۵, ۰/۷۹, ۰/۵۴)	تهیه صورت های مالی تلفیقی
۰/۷۸۵	۰/۷۸۵	۰/۷۷۷	۰/۷۷	(۰/۹۶, ۰/۸, ۰/۵۵)	ارزیابی کیفیت گزارش سالانه هیئت مدیره
۰/۷۷۷	۰/۷۷۷	۰/۷۷۱	۰/۷۶۵	(۰/۹۶, ۰/۷۹, ۰/۵۴)	آگاهی از بندهای شرط مرتبط با عدم اطمینان
۰/۷۸۷	۰/۷۸۷	۰/۷۸۰	۰/۷۷۴	(۰/۹۷, ۰/۸, ۰/۵۵)	آگاهی از ساختار مالکیت شرکت های وابسته
۰/۸۱۳	۰/۸۱۳	۰/۸۰۲	۰/۷۹۴	(۰/۹۸, ۰/۸۳, ۰/۵۸)	افشای لیستی از معاملات با اشخاص وابسته
۰/۶۸۳	۰/۶۸۳	۰/۶۷۹	۰/۶۷۶	(۰/۹, ۰/۶۹, ۰/۴۴)	افشای نام موسسه حسابرسی
۰/۸۲۰	۰/۸۲۰	۰/۸۱۰	۰/۸۰۱	(۰/۹۷, ۰/۸۴, ۰/۵۹)	افشای گزارش حسابرس اطلاعات
۰/۶۲۲	۰/۶۲۲	۰/۶۲۰	۰/۶۱۶	(۰/۷۷, ۰/۵۶, ۰/۳۴)	افشای حق الزحمه حسابرسان
۰/۶۲۲	۰/۶۲۲	۰/۶۱۶	۰/۶۱۲	(۰/۸۲, ۰/۶۳, ۰/۳۹)	افشای حق الزحمه خدمات غیر حسابرسی
۰/۶۹۲	۰/۶۹۲	۰/۶۹۰	۰/۶۸۵	(۰/۹, ۰/۷, ۰/۴۵)	افشای اطلاعات عمومی شرکت
۰/۷۵۸	۰/۷۵۸	۰/۷۵۳	۰/۷۴۷	(۰/۹۵, ۰/۷۷, ۰/۵۲)	ارائه توضیحات در رابطه با انواع سهام و انواع سهامداران

مقدار فازی زدایی شده	X3max	X2max	X1max	میانگین فازی	معیارها
۰/۷۵۸	۰/۷۵۸	۰/۷۷۹	۰/۷۷۱	(۰/۹۶, ۰/۸, ۰/۵۵)	ارائه اطلاعات در مورد سهامداران عمده
۰/۷۵۰	۰/۷۵۰	۰/۷۴۵	۰/۷۴۰	(۰/۹۵, ۰/۷۶, ۰/۵۱)	ارائه اطلاعاتی در مورد ترکیب و ساختار هیئت مدیره
۰/۶۲۲	۰/۶۲۲	۰/۶۲۲	۰/۶۱۴	(۰/۸۱, ۰/۶, ۰/۳۵)	تعداد جلسات برگزار شده هیئت مدیره
۰/۶۵۳	۰/۶۵۳	۰/۶۵۱	۰/۶۴۸	(۰/۸۷, ۰/۶۶, ۰/۴۱)	مسائلی که در صلاحیت هیئت مدیره است
۰/۷۳۰	۰/۷۳۰	۰/۷۲۶	۰/۷۲۱	(۰/۹۳, ۰/۷۴, ۰/۴۹)	پی گیری تصمیمات جلسات پیشین هیئت مدیره
۰/۶۷۵	۰/۶۷۵	۰/۶۷۳	۰/۶۷	(۰/۸۹, ۰/۶۸, ۰/۴۴)	ارائه فهرست کمیته‌ها و اعضای کمیته‌های هیئت مدیره
۰/۶۵۳	۰/۶۵۳	۰/۶۵۱	۰/۶۴۸	(۰/۸۷, ۰/۶۶, ۰/۴۱)	آموزش و جبران خدمات اعضای هیئت مدیره
۰/۶۸۵	۰/۶۸۵	۰/۶۸۳	۰/۶۸۰	(۰/۹, ۰/۶۹, ۰/۴۵)	ارزیابی و جبران خدمات مدیران و کارمندان شرکت
۰/۷۹۳	۰/۷۹۳	۰/۷۸۶	۰/۷۷۷	(۰/۹۶, ۰/۸۱, ۰/۵۶)	انواع ریسک مرتبط با شرکت و برنامه‌های شرکت برای مقابله با آن
۰/۸۳۸	۰/۸۳۸	۰/۸۲۹	۰/۸۱۷	(۰/۹۸, ۰/۸۶, ۰/۶۱)	به موقع بودن گزارشگری شرکت
۰/۸۱۰	۰/۸۱۰	۰/۸۰۰	۰/۷۹۰	(۰/۹۶, ۰/۸۳, ۰/۵۸)	قابلیت اعتماد حسابرس
۰/۷۸۳	۰/۷۸۳	۰/۷۷۳	۰/۷۶۵	(۰/۹۵, ۰/۸, ۰/۵۵)	کیفیت سود
۰/۷۵۷	۰/۷۵۷	۰/۷۵۲	۰/۷۴۵	(۰/۹۴, ۰/۷۷, ۰/۵۲)	دقت پیش‌بینی سود مدیران
۰/۷۳۸	۰/۷۳۸	۰/۷۳۵	۰/۷۲۸	(۰/۹۲, ۰/۷۵, ۰/۵۱)	میزان مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی
۰/۷۴۸	۰/۷۴۸	۰/۷۴۴	۰/۷۳۸	(۰/۹۴, ۰/۷۶, ۰/۵۱)	میزان تامین منابع شرکت از محل بدهی‌ها

۵-۳- بررسی وضعیت ابعاد و متغیرهای تحقیق

دیدگاه خبرگان در مورد وضعیت هر یک از ابعاد مورد مطالعه با استفاده از آزمون t تک‌نمونه بررسی شده است. در این آزمون فرض صفر (H_0) مبتنی بر آن است که متغیر مورد بررسی اهمیت ندارد و فرض بدیل (H_1) نیز ادعای آزمون است. از آنجا که داده‌ها با طیف لیکرت ۵ درجه گردآوری شده است میانگین عدد ۳ یعنی نقطه وسط طیف لیکرت در نظر گرفته شده است. آزمون‌های انجام شده نشان می‌دهد؛ میانگین دیدگاه پاسخ‌دهندگان در تمامی ابعاد بزرگتر از حد وسط طیف لیکرت است. مقدار معناداری نیز در تمامی ابعاد ۰/۰۰۰ بدست آمده که

کوچکتر از سطح خطای ۰/۰۵ است؛ بنابراین میانگین مشاهده شده معنادار است. مقدار آماره t نیز در تمامی ابعاد از مقدار بحرانی ۱/۹۶ بزرگتر است. همچنین هر دو کران بالا و پائین فاصله اطمینان، مقداری بزرگتر از صفر بوده (مثبت) و ادعای آزمون تأیید می‌شود. بنابراین به استناد هریک از این یافته‌های آماری با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت؛ کلیه ابعاد یاد شده به عنوان شاخص‌های شفافیت گزارشگری مالی حائز اهمیت می‌باشند.

تکانه (۴): نتایج آزمون t جهت بررسی وضعیت ابعاد شفافیت گزارشگری مالی

فاصله اطمینان ۹۵٪	مقدار معناداری	میانگین	مقدار t	متغیرهای پژوهش	حد پائین	حد بالا
					۱/۱۴۹	۱/۲۶۳
۰/۰۰۰	۴/۲۰۶	۴۱/۸۴۶	تمرکز کسب و کار	۱/۱۴۹	۱/۲۶۳	
۰/۰۰۰	۴/۰۹۴	۳۱/۶۸۷	بررسی کلی رویه‌های حسابداری	۱/۰۲۶	۱/۱۶۳	
۰/۰۰۰	۴/۲۵۴	۳۱/۹۱۳	اشخاص وابسته و معاملات با آنها	۱/۱۷۷	۱/۳۳۲	
۰/۰۰۰	۳/۷۲۰	۱۳/۲۰۸	فرایند حسابرسی	۰/۶۱۲	۰/۸۲۷	
۰/۰۰۰	۳/۸۰۹	۱۲/۳۷۳	اطلاعات عمومی شرکت	۰/۶۸۰	۰/۹۳۸	
۰/۰۰۰	۴/۰۱۷	۳۳/۴۱۸	مالی	۰/۹۵۷	۱/۰۷۷	
۰/۰۰۰	۴/۱۳۴	۲۴/۴۷۷	اطلاعات مرتبط با ساختار مالکیت، حقوق صاحبان سهام	۱/۰۴۲	۱/۲۲۵	
۰/۰۰۰	۳/۸۳۷	۱۷/۷۹۰	اطلاعات مرتبط با فرایند و ساختار هیئت مدیره	۰/۶۵۵	۰/۸۱۹	
۰/۰۰۰	۳/۹۳۵	۲۶/۰۴۸	راهبری	۰/۸۶۵	۱/۰۰۶	
۰/۰۰۰	۴/۲۴۶	۲۱/۳۰۲	ریسک‌ها و فرصت‌های رشد شرکت	۱/۱۳۱	۱/۳۶۱	
۰/۰۰۰	۴/۴۵۴	۲۸/۳۸۲	به موقع بودن	۱/۳۵۳	۱/۵۵۵	
۰/۰۰۰	۴/۳۱۷	۲۱/۶۱۷	قابلیت اعتماد	۱/۱۹۷	۱/۴۳۷	
۰/۰۰۰	۴/۱۹۱	۱۹/۹۸۸	کیفیت سود	۱/۰۷۴	۱/۳۰۹	
۰/۰۰۰	۴/۰۹۳	۱۸/۲۵۲	معیار دقت پیش‌بینی سود مدیران	۰/۹۷۵	۱/۲۱۱	
۰/۰۰۰	۴/۰۱۱	۱۵/۹۳۹	میزان مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی	۰/۸۸۶	۱/۱۳۶	
۰/۰۰۰	۴/۰۴۹	۱۷/۵۵۵	میزان تأمین منابع شرکت از محل بدهی	۰/۹۳۱	۱/۱۶۷	

۴-۵- تحلیل شکاف و ماتریس اهمیت عملکرد

با توجه به هدف ثانویه پژوهش، که ارائه مدلی جهت سنجش شفافیت گزارشگری مالی است؛ که زمینه را برای رتبه‌بندی شرکت‌ها بر اساس میزان شفافیت آن‌ها فراهم کند و نیز معرفی شاخص چند بُعدی سنجش شفافیت گزارشگری مالی به سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان که با مسئله تخصیص منابع خود به گزینه‌های مناسب سرمایه‌گذاری مواجه هستند؛ سعی شد در گام

پایانی، وضعیت فعلی شفافیت گزارشگری مالی (با تاکید بر دیدگاه مورد پذیرش از شفافیت در این پژوهش) از دیدگاه خبرگان ارزیابی شود؛ برای این منظور نیز پرسشنامه‌ای تهیه و بین خبرگانی که پرسشنامه تدوین مدل را تکمیل نموده بودند؛ توزیع گردید.

برای بررسی شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب (دستیابی به شفافیت در تمامی ابعاد مدل پیشنهادی) از آزمون t زوجی (وابسته) استفاده شده است. با استفاده از این آزمون شکاف بین انتظارات و ادراکات در زمینه هر یک از متغیرهای تحقیق، بررسی گردیده است.

تکراه (۵): آزمون t زوجی تحلیل شکاف

فصله اطمینان ۹۵٪	مقدار t	مقدار معناداری	اختلاف میانگین	وضعیت مطلوب	وضعیت موجود	فرضیه‌های پژوهش	
							حد بالا
-۴۱/۴۸۶	-۲/۲۹۸	-۴۱/۸۴۶	۰/۰۰۰	-۲/۴۱۱	۴/۲۰۶	۱/۷۹۴	تمرکز کسب و کار
-۳۱/۷۴۵	-۲/۰۵۴	-۳۱/۷۴۵	۰/۰۰۰	-۲/۱۹۰	۴/۰۹۴	۱/۹۰۴	بررسی کلی رویه‌های حسابداری
-۳۱/۹۱۳	-۲/۳۵۳	-۳۱/۹۱۳	۰/۰۰۰	-۲/۵۰۸	۲/۲۵۴	۱/۷۴۶	اشخاص وابسته و معاملات با آنها
-۱۳/۲۰۸	-۱/۲۲۵	-۱۳/۲۰۸	۰/۰۰۰	-۱/۴۴۰	۳/۷۲۰	۲/۲۸۰	فرایند حسابرسی
-۱۲/۳۷۳	-۱/۳۶۰	-۱۲/۳۷۳	۰/۰۰۰	-۱/۶۱۷	۳/۸۰۹	۲/۱۹۱	اطلاعات عمومی شرکت
-۳۳/۴۲۳	-۱/۹۱۳	-۳۳/۴۲۳	۰/۰۰۰	-۲/۰۳۳	۴/۰۱۷	۱/۹۸۳	مالی
-۲۴/۴۷۷	-۲/۰۸۵	-۲۴/۴۷۷	۰/۰۰۰	-۲/۲۶۸	۴/۱۳۴	۱/۸۶۶	اطلاعات مرتبط با ساختار مالکیت، حقوق صاحبان سهام
-۱۷/۷۹۰	-۱/۳۱۰	-۱۷/۷۹۰	۰/۰۰۰	-۱/۴۷۴	۳/۷۳۷	۲/۲۶۳	اطلاعات مرتبط با فرایند و ساختار هیئت مدیره

فاصله اطمینان ۹۵٪	مقدار t	مقدار معناداری	اختلاف میانگین	وضعیت مطلوب	وضعیت موجود	فرضیه‌های پژوهش	حد پائین	
							حد بالا	حد پائین
-۲۶/۰۴۸	-۱/۷۲۹	-۲۶/۰۴۸	۰/۰۰۰	-۱/۸۷۱	۳/۹۳۵	۲/۰۶۵	راهبری	
-۲۱/۳۰۲	-۲/۲۶۱	-۲۱/۳۰۲	۰/۰۰۰	-۲/۴۹۲	۴/۲۴۶	۱/۷۵۴	ریسک‌ها و فرصت‌های رشد شرکت	
-۲۸/۳۸۲	-۲/۷۰۵	-۲۸/۳۸۲	۰/۰۰۰	-۲/۹۰۷	۴/۴۵۴	۱/۵۴۶	به موقع بودن	
-۲۱/۶۱۷	-۲/۳۹۳	-۲۱/۶۱۷	۰/۰۰۰	-۲/۶۳۴	۴/۳۱۷	۱/۶۸۳	قابلیت اعتماد	
-۱۹/۹۸۸	-۲/۱۴۷	-۱۹/۹۸۸	۰/۰۰۰	-۲/۳۸۳	۴/۱۹۱	۱/۸۰۹	کیفیت سود	
۱۸/۲۵۲	-۱/۹۴۹	۱۸/۲۵۲	۰/۰۰۰	-۲/۱۸۶	۴/۰۹۳	۱/۹۰۷	معیار دقت پیش‌بینی سود مدیران	
-۱۵/۹۳۹	-۱/۷۷۲	-۱۵/۹۳۹	۰/۰۰۰	-۲/۰۲۲	-۴/۰۱۱	۱/۹۸۹	میزان مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی	
-۱۷/۵۸۵	-۱/۸۶۳	-۱۷/۵۸۵	۰/۰۰۰	-۲/۰۹۸	۴/۰۴۹	۱/۹۵۱	میزان تامین منابع شرکت از محل بدهی	

همان‌طور که ملاحظه می‌شود؛ اختلاف میانگین دیدگاه پاسخ‌دهندگان در مورد تفاوت وضعیت ایده‌ال (مبتنی بر مدل) و وضعیت فعلی در تمامی ابعاد بزرگتر از حد وسط طیف لیکرت بوده؛ و مقدار معناداری نیز در تمامی ابعاد ۰/۰۰۰ بدست آمده که کوچکتر از سطح خطای ۰/۰۵ است؛ بنابراین اختلاف میانگین مشاهده شده معنادار است. مقدار آماره t نیز در تمامی ابعاد از مقدار بحرانی ۱/۹۶ - کوچکتر است. بنابراین به استناد هر یک از این یافته‌های آماری با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت؛ که تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین میانگین ادراکات (وضعیت موجود) و میانگین انتظارات (وضعیت مطلوب) در رابطه با تمامی ابعاد پیشنهادی وجود دارد (در پیوست هشت ماتریس شکاف تحلیل فوق ارائه شده است).

۶- نتیجه‌گیری

بدون شک، بخش بزرگی از پیشرفت‌های ادبیات در هر حوزه از بهبود تکنیک‌های اندازه‌گیری نشات می‌گیرد؛ در حوزه سنجش شفافیت و اثرات اقتصادی مرتبط با آن نیز مانند سایر حوزه‌ها، نیاز مبرمی به معیارهای مناسب‌تر وجود دارد. در این پژوهش کوشش گردید تا معیاری چند بُعدی بر مبنای مطالعه جامع ادبیات و مبتنی بر جنبه‌های مختلف استخراج گردد و به پیروی از بوشمن و همکاران (۲۰۰۴) معیارهای نامتجانس شفافیت گزارشگری مالی را که توسط پژوهشگران مختلف به صورت مجزا مورد استفاده قرار گرفته است؛ به همراه هم به عنوان یک شاخص واحد شفافیت گزارشگری مالی بکار گرفت؛ بر مبنای تحقیق دبوکسی و گیل (۲۰۱۱) مدل‌های چند بُعدی نسبت به شاخص‌های تک بُعدی مورد استفاده پژوهشگران مانند (بوشمن و همکاران (۲۰۰۱)، فرانسیس و همکاران (۲۰۰۴)، مدهانی (۲۰۰۹)، بارث و همکاران (۲۰۱۰) و لنگ و میفیت (۲۰۱۱)) قدرت تشریحی شفافیت را نسبت به رتبه‌بندی اعتباری خارجی، هزینه سرمایه، ریسک بازار (که با بتای شرکت نمایش داده می‌شود) و نقدشوندگی به صورت قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌دهند. چارچوب یاد شده در مقایسه با سایر مدل‌های چند بُعدی شفافیت گزارشگری مالی (کیم (۲۰۰۵) و منسا و همکاران (۲۰۰۶) به این دلیل که به جای ارائه یک معیار تجمعی شفافیت گزارشگری مالی، دیدگاه وسیعی از شفافیت گزارشگری مالی را مدنظر قرار می‌دهد که مبتنی بر سه بُعد مختلف اطلاعات (اطلاعات افشاء شده به عموم، کیفیت اطلاعات، اطلاعات داخلی) است؛ در توسعه ادبیات مشارکت نموده است. لازم به ذکر است؛ با توجه به شرایط خاص محیطی کشور و نبود رسانه‌هایی که در جهت شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌ها فعالیت می‌نمایند؛ بعد رسانه در این پژوهش از کانال‌های شفافیت مستثنی شده است. به علاوه بررسی‌های بیشتر نشان داد که وضعیت فعلی شفافیت از دیدگاه خبرگان بسیار نامساعد است و ابعاد مختلف مدل پیشنهادی باید به منظور تامین نیازهای اطلاعاتی ذینفعان مورد توجه قرار گیرند.

هدف از این مدل چند بُعدی، گسترش درک ما از سیستم اطلاعات مالی است و تمرکز آن بر قابلیت دسترسی اطلاعات خاص هر شرکت توسط ذینفعان برون سازمانی است؛ باید توجه داشت که در این پژوهش برای توسعه مدل از یک تئوری مشخص استفاده نشده است؛ بلکه تئوری‌های رقیبی که به شفافیت در سطح شرکت می‌پردازند؛ به همراه هم مدنظر قرار گرفته‌اند.

مسلم است که استفاده از یک تئوری مشخص در بسط مدل، انتخاب عوامل تأثیرگذار بر شفافیت گزارشگری مالی را تسهیل می‌کند (میلر، ۲۰۰۶). بهر حال انتخاب تعریف یاد شده از شفافیت و عملیاتی کردن این تعریف و شمول کانال‌های گزارشگری شرکت، کسب اطلاعات نهانی و مستثنی نمودن کانال‌های رسانه، الزامات گزارشگری و... مبتنی بر یک تئوری مشخص نیست و این موضوع یکی از محدودیت‌های عمده این پژوهش است؛ گرچه در مراحل مختلف پژوهش توضیحاتی در خصوص انتخاب عوامل عنوان شده است اما نبود یک تئوری مشخص، تعیین دامنه این پژوهش و ارزیابی انتخاب‌های صورت گرفته در آن را دشوار می‌سازد. همچنین نبود یک تئوری مشخص احتمالاً موجب شده است تا در تصمیمات اتخاذ شده در طی پژوهش ثبات رویه وجود نداشته باشد. محدودیتی که بوشمن و همکاران (۲۰۰۴)، میلر (۲۰۰۶) و دبوکسی و گیلت (۲۰۱۱) نیز اذعان کرده‌اند که در حسابداری و اقتصاد، تئوری جامعی در خصوص عوامل تعیین کننده شفافیت وجود ندارد؛ و این حوزه بسیار محدود بوده و مبانی تئوریک و تجربی اندکی در ادبیات آن وجود دارد؛ به گفته میلر (۲۰۰۶) باید توجه داشت که مطالعه عوامل موثر بر شفافیت گزارشگری مالی تلاش پیچیده‌ای است که مستلزم مطالعه دامنه وسیعی از عوامل اقتصادی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و حتی علوم انسان‌شناسی است. بنابراین پیشنهاد می‌گردد؛ مطالعات بعدی بر تئوری شفافیت خاصی جهت تدوین مدل اتکا نمایند.

پی نوشت

- | | |
|----------------------------------------------------------|-----------------------------|
| ۱ Doing business | ۲ Investor protection index |
| ۳ Standard and Poor's Transparency and Disclosure scores | ۴ CIFAR |
| ۵ S&P | ۶ OECD |
| ۷ Conceptual mapping | |

منابع

آذر، عادل، مومنی، منصور. (۱۳۸۳). آمار و کاربرد آن در مدیریت، تهران: انتشارات سمت، چاپ سوم
صمدی لرگانی محمود. ۱۳۸۹. تبیین ارتباط بین شفافیت گزارشگری مالی با گزارشگری مالیاتی. پایان نامه دکتری حسابداری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران.

طارمی مریم. ۱۳۸۵. آزمون مدل سه عاملی فاما و فرنچ در بورس اوراق بهادار تهران جهت پیش بینی بازده سهام"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.

کردستانی، غلامرضا و ضیا الدین مجدی. ۱۳۸۶. بررسی رابطه بین ویژگی‌های کیفی سود و هزینه سرمایه سهام عادی"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال ۱۴، شماره ۴۸.

نوروش، ایرج، حصار زاده، رضا (۱۳۸۹)، بررسی ابعاد شفافیت سود حسابداری و رابطه آن با ویژگی‌های شرکت در بورس اوراق بهادار تهران " فصلنامه بورس و اوراق بهادار، سال سوم، شماره

12

- Aggarwal, R. , Erel, I. , Kyaw, NyoNyo Aung. , 2009. International Variations in Transparency and Capital Structure: Evidence from European Firms. *Journal of International Financial Management and Accounting* 20: 1 2009
- Ali, A. , Chen, T. , & Radhakrishnan, S. (2007). Corporate Disclosures by Family Firms. *Journal of Accounting and Economics*, 44 (1-2) (September) , 238-286.
- Amihud, Y and Mendelson, H (1986). *The effect of beta bid-ask spread residual risk and size on stock return*. *Journal of finance*, 479-486
- Barron, O. E. , Kile, C. O. , & O'Keefe, T. B. (1999). *MD&A quality as measured by the SEC and analysts' earnings forecasts*. *Contemporary Accounting Research*, 16 (1) , 75-109.
- Barone, GJ (2003). *Perception of earnings quality and their associations with the cost of equity capital*. Working paper. Available at URL: <http://www.ssrn.com>
- Barth, M. E. , Y. Konchitchki & W. R. Landsman. (2010). *Cost of Capital and Earnings Transparency*. Working paper, SSRN. com.
- Barth, M. E. , and K. Schipper. (2008). *Financial Reporting Transparency*. *Journal of Accounting, Auditing, and Finance* 23, 173-190.
- Beyer, A. , Cohen, D. , Lys T. , and B. Walther. 2010. The financial reporting environment: Review of the recent literature. *Journal of Accounting and Economics* 50: 296-343.
- Biddle, G. , Hilary, G. , Verdi, R. , (2009). *How does financial reporting quality relate to Investment efficiency?* *Journal of Accounting and Economics* 48 (2009) 112-131
- Bloomfield, R. 2002. The "incomplete revelation hypothesis" and financial reporting. *Accounting Horizons* 16: 233-243
- Botosan, C. A (1997). *Disclosure level and the cost of equity capital*. *Accounting review* 72: 323-349

- Bushman, R. (1991). Public information and the structure of private information markets. *Journal of Accounting Research* 29, 261-276.
- Bushman, R and Smith, A (2001). *Financial accounting information and corporate governance*. *Journal of accounting and economics* 32. No 1-3: 237-333
- Bushman, R and Piotroski, J and Smith, A (2004). *What determines corporate transparency?* *Journal of accounting Research*. Vol. 42 No. 2 May 2004: 207-252
- Buzby, S. L. (1974). Selected items of information and their disclosure in annual reports. *The Accounting Review*, 49 (3) (July) , 423-435.
- Cheng Agnes, Collins D, Henry HeHuang (2003). *Shareholder rights, financial disclosure and the cost of equity capital*. *Rev Quant Finan Acc* 27: 175–204
- Daske, H. , L. Hail, C. Leuz, and R. Verdi. (2008). *Mandatory IFRS Reporting Around the World: Early Evidence on the Economic Consequences*. *Journal of Accounting Research* 46, 1085-1142.
- DASKE, H. ; L. HAIL; C. LEUZ; and R. VERDI. “Adopting a Label: Heterogeneity in the Economic Consequences of IFRS Adoptions. ” Unpublished paper, University of Chicago Booth School of Business, 2009.
- DEFOND, M. ; J. FRANCIS; and T. WONG. “Auditor Industry Specialization and Market Segmentation: Evidence from Hong Kong. ” *Auditing* 19 (2000): 49-67.
- Depoers, F. (2000). A cost-benefit study of voluntary disclosure: some empirical evidence from French listed companies. *The European Accounting Review*, 9 (2) , 245-263.
- Diamond, D and Vreccchia, R (1991). Disclosure, liquidity and the cost of capital. *Journal of finance* 46: 1325-1360
- FAN, J. , and T. WONG. “Do External Auditors Perform a Corporate Governance Role in Emerging Markets?” *Journal of Accounting Research* 43 (2005): 35-72.
- Francis, J. , R. LaFond, P. Olsson, and K. Schipper (2004). *Costs of Equity and Earnings Attributes*. *The Accounting Review* 79, 967-1010.
- Gillett, p. DeBoskey, d. (2011) ,The impact of multi-dimensional corporate transparency on us firms’ credit ratings and cost of capital. *Rev Quant Finan Acc* DOI 10. 1007/s11156-011-0266-8, springer. com.
- Gernon H, Meeks GK (1997). *Accounting an international perspective*, 5th edn. Irwin McGraw-Hill, Singapore
- HAIL, L. , and C. LEUZ. “Capital Market Effects of Mandatory IFRS Reporting in the EU: Empirical Evidence. ” Unpublished paper, University of Pennsylvania – The Wharton School, 2009a.

- HAIL, L. , and C. LEUZ. “Cost of Capital Effects and Changes in Growth Expectations around U. S. Cross-Listings. ” *Journal of Financial Economics* 93 (2009b): 428-454.
- Hassan, O. A. G. , Romilly, P. , Giorgioni, G. , & Power, D. (2009). The value relevance of disclosure: Evidence from the emerging capital market of Egypt. *The International Journal of Accounting*, 44 (1) , 79-88.
- Hassan, Oaima and Claire Marston. (2010). Disclosure Measurement in the Empirical Accounting Literature: A Review Article. Working paper, <http://www.brunel.ac.uk/about/acad/sss/depts/economics>
- Healy, P. M. , and J. M. Wahlen. 1999. A review of the earnings management literature and its implications for standard setting. *Accounting Horizons* 13 (December): 365–383.
- Hirshleifer, D. , and S. H. Teoh. 2003. Limited attention, information disclosure, and financial reporting. *Journal of Accounting and Economics* 36: 337–386.
- Hirst, D. E. , K. E. Jackson, and L. Koonce. 2003. Improving financial reports by revealing the accuracy Of prior estimates. *Contemporary Accounting Research* 20 (spring): 165–193.
- Hirst, D. E. , P. E. Hopkins, and J. M. Wahlen. 2004. Fair values, income measurement, and bank analysts' risk valuation judgments. *The Accounting Review* 79 (April): 453–472.
- Hope, O. -K. (2003a). Disclosure practices, enforcement of accounting standards and analysts' forecast accuracy: an international study. *Journal of Accounting Research*, 41 (2) (May) , 235-272.
- Hope, O. -K. (2003b). Accounting policy disclosures and analysts' forecasts. *Contemporary Accounting Research*, 20 (2) , 295–321.
- Huang , Xiaobei , Mandatory vs. Voluntary Management Earnings Forecasts in China , Xi Li , Senyo Y. Tse, Jenny Wu Tucker, May 2, 2013, Mays Business School Research Paper No. 2012-82
- JIN, C. , and S. MYERS. “R2 Around the World: New Theory and New Tests. ” *Journal of Financial Economics* 79 (2006): 257-292.
- Kim, Jinbae. (2005). Accounting Transparency of Korean Firms: Measurement and Determinant Analysis. *The Journal of American Academy of Business*, Cambridge * Number 2 * March 2005
- Kothari, SP and Short, JE (2003). The effect of disclosure by management, Analyst and financial press on the cost if equity capital. Working paper.
- Kyu Choi, Sung,. Wook Seo, Jung. Institutional Ownership and Accounting Transparency. *Asia-Pacific Journal of Financial Studies* (2008) v37 n4 pp627-673.
- Lang, M. , & Lundholm, R. (1996). Corporate Disclosure Policy and Analyst Behavior. *The Accounting Review*, TT 71 (4) , 467-492.

- LANG, M. ; K. LINS; and D. MILLER. "Concentrated Control, Analyst Following, and Valuation: Do Analysts Matter Most When Investors are Protected Least?" *Journal of Accounting Research* 42 (2004): 581-623.
- Lang, M. , Maffett, M. (2010). Economic Effects of Transparency in International Equity Markets: A Review and Suggestions for Future Research *Foundations and Trends in Accounting*, Vol. 5, No. 3, pp. 175-241, 2010
- Lang, M. Lins, K and Maffett, M (2011). Transparency, liquidity and valuation: international evidence. Working paper. *Journal of Accounting Research*, Volume 50, Issue 3, pages 729–774, June 2012
- Lang, M. , M. Maffett. (2011). *Transparency and liquidity uncertainty in crisis periods*. *Journal of Accounting and Economics* 52 (2011) 101–125
- Lee, Y. J. , K. Petroni, and M. Shen. 2005. Cherry picking, disclosure quality, and comprehensive Income reporting choices: The case of property-liability insurers. Working paper, Michigan State University.
- LEUZ, C. ; D. NANDA; and P. WYSOCKI. "Earnings Management and Investor Protection: An International Comparison. " *Journal of Financial Economics* 69 (2003): 505-527.
- Lundholm, R. J. 1999. Reporting on the past: A new approach to improving accounting today. *Accounting Horizons* 13 (December): 315–22.
- Madhani, P. (2009). *Role of Disclosure and Transparency in Financial Reporting*. The accounting world, 2009, pp 63-66.
- Mensah, Michael, O. Hong V. Nguyen, and Satya N. Pratiapati. Transparency in Financial Statements: A Conceptual Framework from a User Perspective. *The Journal of American Academy of Business*, Cambridge * VO 1. 9 * Num. 1 * March 2006.
- Maines, L. , and L. S. McDaniel. 2000. Effects of comprehensive income characteristics on nonprofessional Investors' judgments: The role of financial-statement presentation format. *The Accounting Review* 75 (April): 179–207.
- MILLER, GREGORY S, Discussion of What Determines Corporate Transparency? *Journal of Accounting Research* Vol. 42 No. 2 May 2004 Printed in U. S. A.
- Ppin Yhim Hark, Khondkar E. karim, Robert W Rutledges, The association between disclosure level and information quality: voluntary management earnings forecasts, *Applied financial economic*, 2002, 1-16
- Richardson, A. J. , & Welker, M. (2001). *Social disclosure, financial disclosure and the cost of equity capital*. *Accounting, Organizations and Society*, 26 (7-8) (October November) , 597-616.

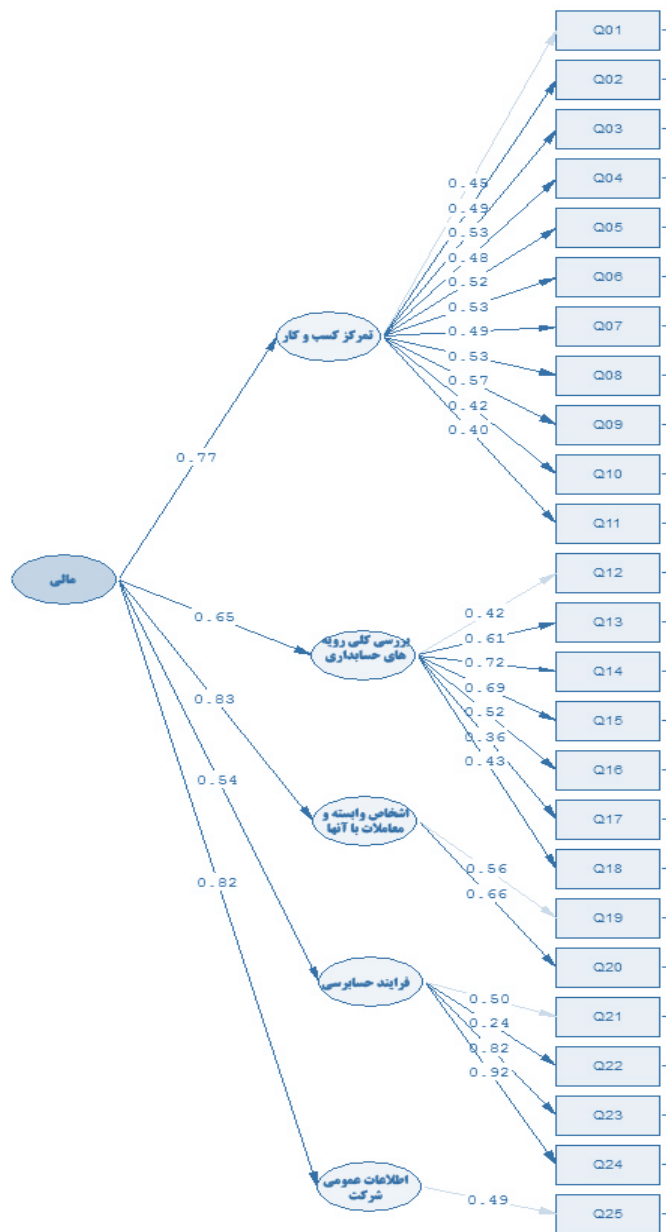
- ROULSTONE, D. "Analyst Following and Market Liquidity. " *Contemporary Accounting Research* 20 (2003): 552-578.
- Salter, S. B. (1998). Corporate financial disclosure in emerging capital markets: does economic development matter? *The International Journal of Accounting*, 33 (2) , 211234.
- Spence, A. (1973) , Job market signaling, *Quarterly Journal of Economics*, 87,355-74.
- TEHO, S. , and T. WONG. "Perceived Auditor Quality and the Earnings Response Coefficient. " *The Accounting Review* 68 (1993): 346-366.
- Wysocki, P. D. , 2008. Assessing earnings and accruals quality: U. S. and international evidence. Manuscript.
- YU, G. , "Accounting Standards and International Portfolio Holdings: Analysis of Cross-Border Holdings following Mandatory Adoption of IFRS. " Unpublished paper, Harvard University, 2010.
- Yan li and Holly Yang (2011). Disclosure and the cost of equity capital: An Analysis at the market level. Working paper. Available at URL: <http://www.ssrn.com>

پیوست:

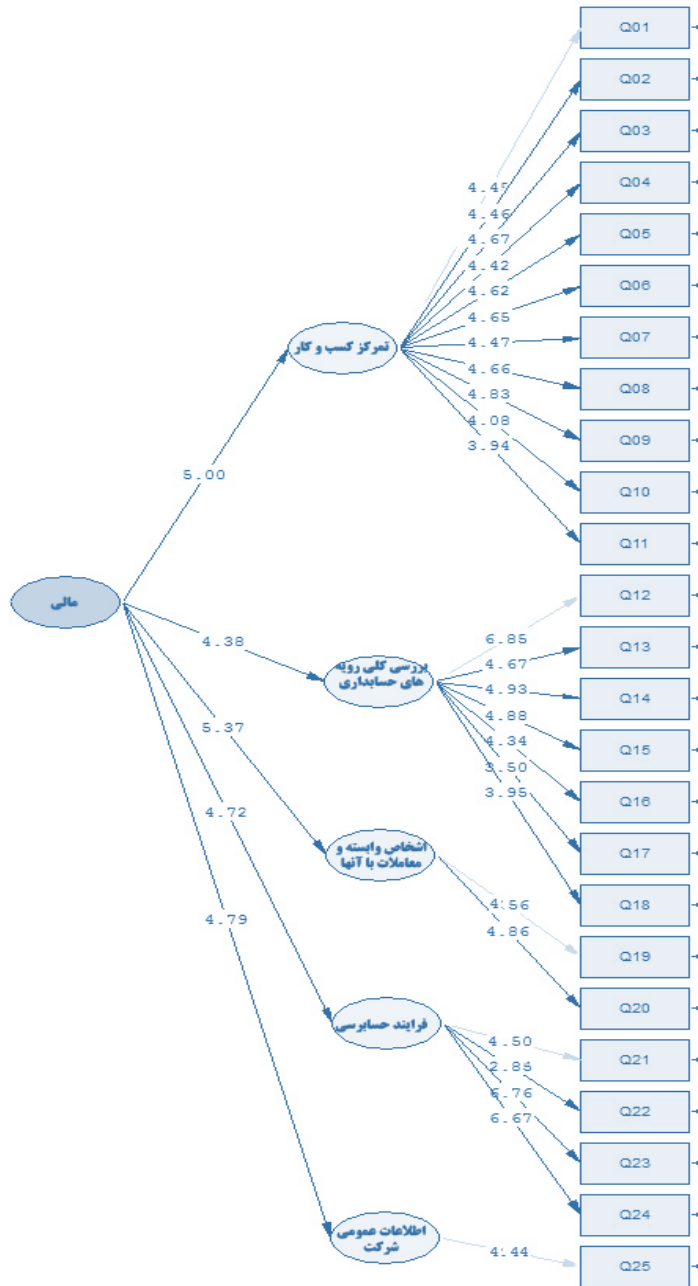
پیوست (۱): اجزای ابعاد مالی، راهبری، ریسک و فرصت‌های رشد

تمرکز کسب و کار	شفافیت مالی و افشای اطلاعات	مالی، ریسک و فرصت‌های رشد
بررسی کلی رویه‌های حسابداری		
بررسی جزئی رویه‌های حسابداری		
اشخاص وابسته و معاملات با آنها		
فرایند حسابرسی		
اقلام ترازنامه		
اقلام سود و زیان		
اطلاعات مرتبط با اقلام خاص		
اطلاعات عمومی شرکت		
شفافیت در مالکیت	ساختار مالکیت و حقوق صاحبان سهام	راهبری شرکتی
تمرکز مالکیت		
ترکیب و ساختار هیئت مدیره	فرایند و ساختار هیئت مدیره	
نقش هیئت مدیره		
آموزش و جبران خدمات اعضای هیئت مدیره		
ارزیابی و جبران خدمات مدیران اجرایی		
نقش ذینفعان در راهبری شرکتی		

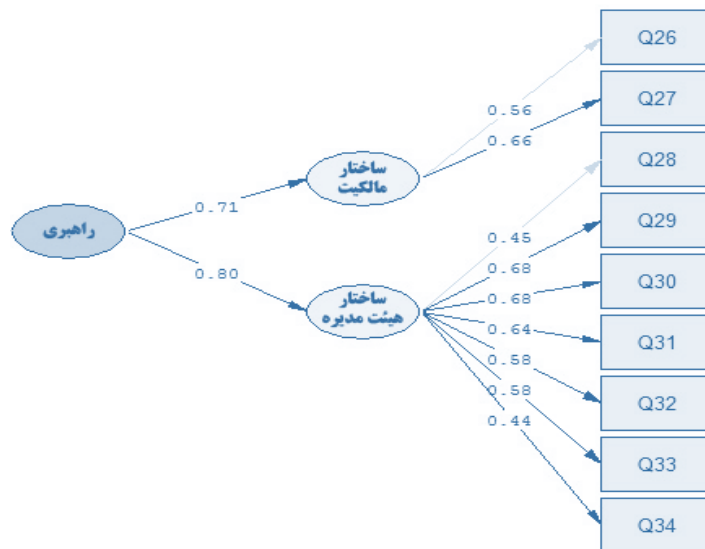
پیوست (۲): بار عاملی استاندارد تحلیل عاملی تأییدی بعد مالی شاخص شفافیت



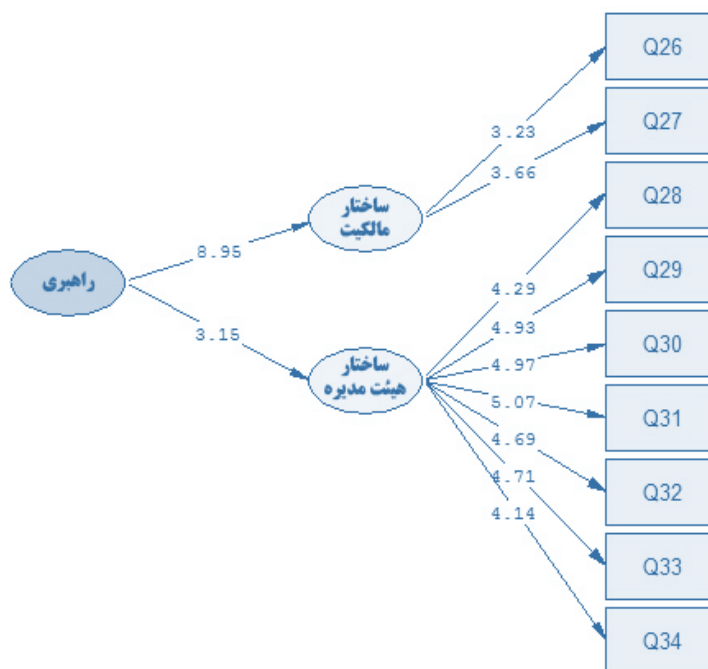
پیوست (۳): مقدار آماره t (معناداری) تحلیل عاملی تأییدی بعد مالی شاخص شفافیت



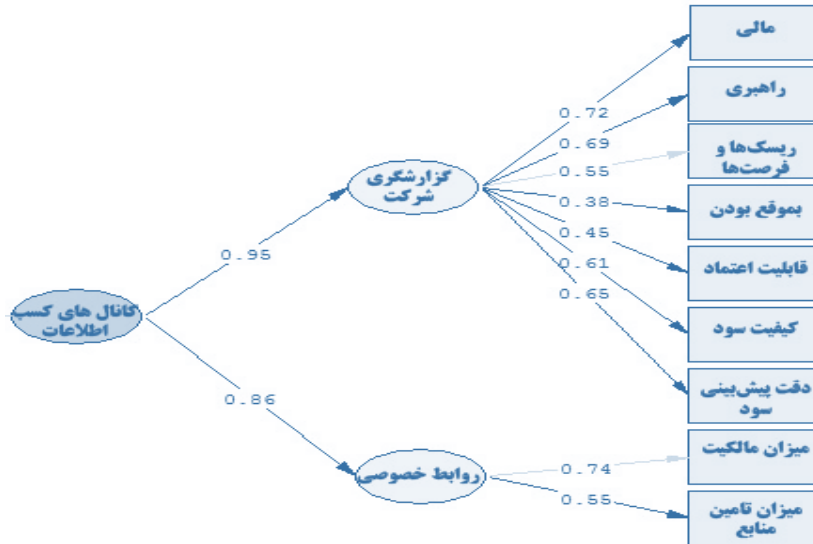
پیوست (۴): بار عاملی استاندارد تحلیل عاملی مقیاس راهبری



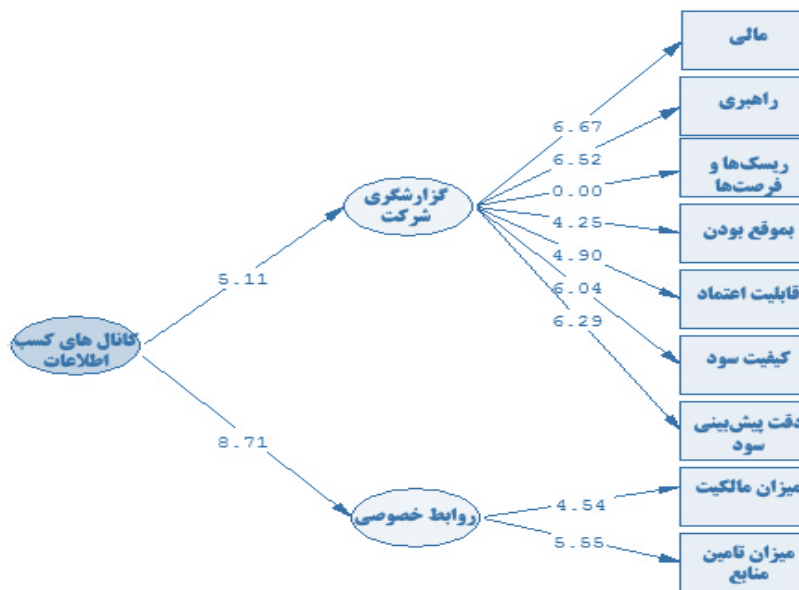
پیوست (۵): آماره آزمون (t-value) تحلیل عاملی مقیاس راهبری



پیوست (۶): بار عاملی استاندارد تحلیل عاملی تاییدی مرتبه اول مقیاس تحقیق



پیوست (۷): آماره آزمون (t-value) تحلیل عاملی تاییدی مرتبه اول مقیاس تحقیق



پیوست (۸): ماتریس تحلیل شکاف

